وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققا آنان را به راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال دوم شماره ۳۰ چهارشنبه اول دلو ۱۳۸۲ ۲۹ ذوالقعده ۱۴۲۴ - 21 January 2004

سرمقاله

بحران حقوق زنان در افغانستان

آواز خوانی یا آهنگ رشد وآگاهی؟

ص۲

حج، کنگرۀ بزرگ اسلامی

ص۷

استاد ربانی د بی بی سی دپښتو څانګی خبریال سره په مرکه کی:

موږ بايدپه راتلونکي کې په خلکو او پارلمان ډاډ ولرو

موږ دملی اردو دجوړولو، دوسلو دراټولولو او دامنيت د پياوړتيا پلوی يوو

دجدي دمياشتي په ۱۸ مه نيټه دجمعيت اسلامي د مشر استاد برهان الدين رباني سره داساسي قانون دتصويب دلوي جرګي دبهير اودجمهوري رياست دراتلونکو انتخاباتو په باب مرکه کړي چي دادي ستاسو دمعلوماتو له پاره وړاندي کيږي.

پوښتنه: داساسي قانون په لويه جرګه کي استازي په دوو ډلو وويشل شول، يوه درياستي نظام او بل دپارلماني نظام تاسو دپارلماني نظام د ډلي مشري کوله اوس چي قانون تصويب شو تاسو څومره راضي ياست؟

ځواب: د دي جناح بندي په هکله چي دلويي جرګي استازي په دووبرخو و ويشل شول زما خيال دادي چي داتقريبا يو تحميلي تقسيم بندي وه او په حقيقت کي کله چي دجرګي استازي راغلل په دي خيال نه وچي څوک کوم خواته قرار لري درياستي او يا پارلماني دلويي جرګي په دوران کي څه خبري کيدي ډير خلکو مخصوصا فرهنګيان روشن فکران او ګڼ شمير کسان په دي خيال وه چي اوس نو ددموکراسي خواته روان يوو مردم سالاري غواړو چي په دي ملك كي مينځ ته راشي له دي كبله هغه شي چي ډير دموكراسي ته نږدي وي مخصوصا په پارلماني نظام کي صلاحيت. او تصميم ګيري دخلکو او دخلکو داستازيو په لاس کي دي له دي کبله دپارلماني نظام پلويان ګڼ شمير کسان وو کله چي استازي دلته راغلل لويي جرګي ته ددولت لخوا دا مسوده وړاندي شوي وه تا سو ته هم پته شته چي داتقريبا يوويشتمه مسوده

۳مخ



استاد ربانی در ملاقات با سفیر ترکیه

دوستی میان افغانستان و ترکیه دیرینه می باشد

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت آقای مفید اوزدش سفیر کشور ترکیه را که دورۀ ماموریتش در افغانستان به پایان رسیده است جهت ملاقات تودیعی روز پنجشنبه گذشته در اقامتگاه شان پذیرفتند.

در این ملاقات استاد از مناسبات دوستانه میان کشور ترکیه و افغانستان یاد آوری نموده گفت: دوستی میان مردمان افغانستان و ترکیه دیرینه می باشد. کشور ترکیه مردم ما را در بازسازی کمک نموده با ارسال نیروهایش در چوکات ائتلاف بین المللی در تامین صلح در افغانستان نقش خویش را به خوبی ادا نموده است.

ص۸



استاد ربانی با سفیر روسیه ملاقات تودیعی انجام داد

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت مردم افغانستان روز یکشنبه ۲۸ جدی در اقامتگاه شان با سفیر روسیه ملاقات تودیعی انجام دادند.

در این ملاقات سفیر روسیه نقش رهبری جهاد و مقاومت را در جهت تأمین روابط دوستانه با کشور های همسایه با ارزش خواند و از مبارزۀ نیروهای جهاد و ومقاومت در راه تأمین امنیت و وحدت ملی به نیکی یاد آوری کرد.

استاد از همکاری سفیر مذکور در ایجاد روابط نیک میان

ص۸



دیدار استاد با اعضای دفتر تحقیقاتی کانگرس آمریکا

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت روز شنبه ۲۷ جدی با آقای کینت کازمن و خانم رودا مارگسیون اعضای دفتر خدمات تحقیقاتی کانگرس امریکا و آقای جیف هاگون مسؤول سیاسی سفارت امریکا در کابل در اقامتگاه شان ملاقات نمودند.

در آغاز این ملاقات ، اعضای هیأت از ملاقات با استاد اظهار

ص۸

مراسم تشییع جنازه ودعا خوانی قاضی عبدالجمیل یکی از مبارزان نامدار کشور باشکوهی ویژه برگزار شد

جنازه قاضی عبدالجمیل روز دوشنبه به خاک سپرده شد و مراسم دعا خوانی او دیروز سه شنبه بر گزار گردید.

موترحامل عبدالجمیل به روز جمعه۲۶جدی درحینی که بااعضایی از خانواده اش رهسپار جلال آباد بود، در مسیر کابل- سروبی از جاده منحرف شد وبه سطح دریا سقوط کرد که در نتیجه جز دریور پنج تاسرنشین آن همه مجروح شدند. وقتی قاضی عبدالجمیل درجمع مجروحان خانواده اش به شفاخانۀ علی آباد منتقل شد به حالت کوما فرو رفت وسرانجام شب دوشنبه۲۹جدی جهان فانی را درشفاخانۀ چهارصد بستر درشهر کابل وداع گفت.



قاضی عبدالجمیل به سال۱۳۳۸ در دهکدۀ گزانک ولسوالی یفتل ولایت بدخشان چشم به جهان گشود. وی تعلیمات ابتدایی را در مکتب دهکده اش فراگرفت و دورۀ ثانوی را در مدرسۀ ابوحنیفۀ کابل به سرآورد و در سال۱۳۵۵ بافراغت از این مدرسه به مسلک فاکولتۀ شرعیات دانشگاه کابل در آمد.

قاضی عبدالجمیل پیش از ورود به دانشگاه به صفوف جنبش اسلامی کشور(جمعیت اسلامی افغانستان) به پیوسته بود. زمانی در سال۱۳۵۷ کودتای کمونیستی قدرت را در کشور به دست گرفت، فعالیت های رهایی بخش جنبش اسلامی در سراسر افغانستان ابعادی گسترده تر گرفت وبی تردید یکی از عرصه های بسیار پویای این فعالیت ها صحنۀ دانشگاه کابل بود، قاضی عبدالجمیل در این دوران باسایر همرزمانش از فعالان بسیار بارز تلقی می شد. او در بسیاری از قیام های رهایی بخش از جمله قیام چنداول نقشی مهم داشت. در اثر همین فعالت او بود

ص۸

ثبت نام در انتخابات

و مشکل عدم نیاز به تذکرۀ تابعیت

وحید مژده

قرار است انتخابات ریاست جمهوری برای نخستین بار در کشور ما در سال ۱۳۸۳ انجام یابد و برای اولین بار مردم افغانستان رئیس جمهور خویش را با رأی مستقیم خود بر خواهند گزید. شرکت در این انتخابات یک وجیبۀ ملی است و بر فرد فرد ملت ما که واجد شرایط رأی دهی اند لازم است تا با شرکت دراین آزمون بزرگ ملی، مشارکت خود در حیات سیاسی کشور خود را مسجل سازند.

گزارش هایی که تا کنون از طریق رسانه های خبری در مورد استقبال مردم از ثبت نام به دست نشر سپرده شده است، چندان امیدوار کننده نیست. در این رابطه شاید اکثریت مردم ما انعکاس بدی از تجارب گذشته در ذهن دارند که زمامداران کشور با قرار گرفتن بر اریکۀ قدرت توجهی به وضع مردم و حالت زار کشور نداشتند

ص۲

په کوټه کي نوي تنه له طالبانو سره دتړاو په تور ونیول شول

دپاکستان پرولس مشر د دويمي بريدونو وروسته پوليسو ۹۰ تنه شکمن کسان ونيول دپاکستان پرجمهور رئيس دتيرو دوومياشتو په ترڅ کي دوو ځان وژونکو بمي بريدونو وروسته ددغه هيواد مقاماتو دمذهبي تندلارو په نيولو لاس پوري کړي دي

د دغه هيواد دبلوچستان

۷مخ

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

بحران حقوق زنان در افغانستان
آواز خوانی یا آهنگ رشد وآگاهی؟

هفتهٔ پیش تلویزیون کابل پس از سالیان، چندین آهنگی را به آواز وسیمای خانم سلمی به نمایش گذارد واز آن روز تاکنون چند صداوسیمای آواز خوان زن دیگر را نیز تجربه کرده است.

این حادثه درحلقه هایی گونه گون واکشنهایی گونه گون ایجاد کرد. برخی آن را حادثه یی بسیار بزرگ پس از دوازده سال درجهت اعادهٔ حقوق زنان در افغانستان به شمار آوردند واز برکات مرحلهٔ نوین واز ثمرات دموکراسی وحقوق بشر و از دستاوردهای تصویب قانون اساسی! برخی دیگر آن را دوباره به ابتذال روی آوردن خواندند ومخالف قانون اساسی.

در این میان این پرسش مطرح می گردد که اگر روزانه به جای یک خانم آواز خوان در تلویزیون افغانستان چندین خانم، آواز بخوانند ، در آن صورت زنان افغانستان بیشتر به حقوق شان رسیده اند؟ وسالیان پیش آنگاه که زنان در تلویزیون افغانستان بی هیچ دغدغه یی آواز می خواندند وگاهی هم پای می کوبیدند ومی رقصیدند بیشتر از امروز دارای حقوق انسانی بودند؟ وراستی همهٔ کمال انسانی زن در همین نهفته است که درملأ عام آواز بخواند ودرجمع مردان وزنان برقصد و در غیر آن نمی تواند جوهر انسانی اش را بروز بدهد؟

کسانی که به زن به دیدهٔ یک ابزار ترف وخوشگذرانی وعروسک وملعبه می نگرند بی گمان آواز خوانی ورقاصگی او را هنر می گویند وبه ابتذال کشاندنش را دست یافتن به حقوق بشر. اما به باور ما زن وقتی به کمال انسانی وحقوق طبیعی اش دست می یابد که بتواند نقش فطری وانسانی اش را در جامعه ادا کند وبرای این مأمول درهمهٔ عرصه های زندگی شرافتمند برای وی زمینهٔ مشارکت فراهم آید.

به باور ما زن می تواند باپشت کردن به هرزگی ها در همهٔ عرصه های زندگی سیاسی واقتصادی واجتماعی وفرهنگی وهنری حضور یابد ونقش ورسالتش را در رشد وبالندگی جامعه ادا کند و در تعالی و توسعه آن سهم بگیرد در چنین وقتی است که ما می توانیم ادعا کنیم زن جامعهٔ ما آهنگ رشد آغازیده وبه ساحت حقوقش دست یافته است.

بی تردید بردست وپای زن جامعهٔ افغانستان غل وزنجیر هایی سنگین برخی به نام دین وبرخی دیگر به نام سنت های جامعه وتاریخ نهاده شده است که او را از حضور شرافتمند در عرصهٔ زندگی ورسیدن به ابتدایی ترین حقش باز می دارد، ولی هرگز او از این غل وزنجیرها با آواز خوانی ورقاصگی نمی تواند رهایی یابد وتنها باآهنگ رشد وآگاهی وبازخوانی آموزه های دین وفرهنگ می تواند خویشتن را از آنها وارهاند.

ثبت نام در انتخابات
و مشکل عدم نیاز به تذکرهٔ تابعیت

و یا این که دست نشاندهٔ خارجیان بودند حالا نیز شاید مردم به این باور باشند که فقط کسی که مورد تأیید خارجیان باشد به این مقام دست خواهد یافت و دیگر دادن رای مردم تأثیری در این رابطه نخواهد داشت. پس مهم نیست که چه کسی به این مقام می رسد. ما چرا یک روز وقت خود را به ثبت نام وروز دیگر را به رای دادن ضایع سازیم؟

این تصور کاملا نادرست است. برعکس، رأی ملت و سهم گیری فعال ملت در این امر مهم میهنی است که می تواند دسایس خارجیان را نقش برآب سازد و مانع به قدرت رسیدن مزدوران اجنبی در این کشور گردد.

دراین رابطه مسألهٔ نهایت مهم، چگونگی ثبت نام رأی دهندگان است که شیوهٔ ثبت نام خود در دلسردی مردم بی تأثیر نیست. در این مورد به فرمان رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان توجه کنید:

فرمان رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در بارهٔ ثبت نام رأی دهندگان برای انتخابات سال ۱۳۸۳

شماره ۸۶
مؤرخ ۱۳۸۲/۸/۲۰

موافقتنامه های بن به برگزاری انتخابات آزاد در سال ۱۳۸۳ تأکید می نماید. شورای امنیت ملل متحد طی قطعنامه هایی، موافقتنامه های بن را تأیید و دفتر کمک های ملل متحد (یوناما) را جهت تطبیق مسؤولیت های ملل متحد که در موافقتنامه های بن پیش بینی شده است، تاسیس نمود.

بنا برآن برای تدویر انتخابات آزاد مطابق به موافقتنامه های بن وفیصله های لویه جرگهٔ اضطراری، قانون اساسی، فرامین رئیس دولت افغانستان در بارهٔ ایجاد کمیسیون موقت و دفتر مشترک انتخابات، مراتب ذیل برای ثبت نام رأی دهندگان انتخابات سال ۱۳۸۳ منظور است:

احکام عمومی

مادهٔ اول :

این فرمان برای ثبت نام رأی دهندگان در انتخابات سال ۱۳۸۳ صادر می گردد و به نام فرمان ثبت نام رأی دهندگان یاد می شود.

مادهٔ دوم:
تشریح :

در این فرمان اصطلاحات ذیل تا زمانی که معانی مغایر آن ظاهر نگردد، دارای معانی ذیل است:

"شخص افغان" شخصی که به اساس قوانین نافذهٔ افغانستان بحیث افغان شناخته می شود.

"برنامهٔ ثبت نام" عبارت از مرحلهٔ ثبت نام رأی دهندگان واجد شرایط است که به منظور آمادگی برای انتخابات به راه انداخته می شود. تعلیمات مدنی و آموزشی جهت اشاعهٔ معلومات در بارهٔ اصل "حق عمومی رأی دهی" مرحلهٔ ثبت نام جریان انتخابات نیز شامل این برنامه می باشد.

- "رئیس عمومی انتخابات" شخصی که منحیث رئیس عمومی انتخابات توسط دفتر "یوناما" تعیین می شود.

- "آگاهی عامه" هر آگاهی یی که از طریق تلویزیون، اخبار، رادیو و سایر نشرات در مورد ثبت نام ابلاغ می گردد.

- "محل اقامت" محلی در یکی از ولایات افغانستان که متقاضی ثبت نام آن را منحیث محل سکونت خویش می داند. -

ادارهٔ رهبری پروسهٔ ثبت نام

مادهٔ سوم :
صلاحیت رهبری:

به تأسی ازتوافقنامهٔ بن، دفتر یوناما امور ثبت نام رأی دهندگان را تحت نظارت دفتر مشترک انتخابات که طی فرمان مورخ ۴ اسد ۱۳۸۲ (۲۶ جولای ۲۰۰۳) تاسیس گردیده است ، انجام می دهد.

مادهٔ چهارم :
صلاحیت های دفتر مشترک انتخابات :

۱- دفتر مشترک انتخابات صلاحیت دارد دستور العمل و آگاهی ها را به منظور تحقق اهداف این فرمان معین نماید.

۲- دفتر مشترک انتخابات می تواند صلاحیت های خویش را که توسط این فرمان و یا توسط دستور العمل و رهنمودی که به تأسی از این فرمان صادر شده باشد، از طریق دارالانشای آن اداره عملی نماید.

۳- کارمندانی که توسط کمیسیون مؤقت انتخابات جهت اجرای ثبت نام رأی دهندگان مؤظف می گردند، تحت ادارهٔ روزانهٔ دارالانشای دفتر مشترک انتخابات قرار داشته و از اجراآت خویش نزد دارالانشا پاسخده می باشند

مادهٔ پنجم:
اجرای ثبت نام رأی دهندگان :

۱. شهرت افغانهایی که بر اساس ثبت نام و طبق احکام قانون انتخابات حق رأی دهی را در انتخابات سال ۱۳۸۳ دارند ، ثبت می گردد.

۲. جهت آمادگی برای ثبت نام و غرض اشاعهٔ معلومات در بارهٔ حق عمومی رأی دهی، برنامه های تعلیمات مدنی، آموزشی و انتخاباتی اجرا گردد. دفتر مشترک انتخابات می تواند طبق دستورالعمل معین به مؤسسات غیر دولتی اجازه دهد تا دراجرای پروگرامهای تعلیمات مدنی و آموزشی سهم گیرند.

۳. دفتر مشترک انتخابات تاریخ ثبت نام رأی دهندگان راتعیین و از طریق وسایل ارتباط جمعی اعلان نماید.

۴. دارالانشای ادارهٔ مؤقت انتخابات افغانستان محلات و برنامهٔ سفر تیم های مامورین ثبت نام رای دهندگان را تعیین و اعلان نماید.

۵. برای مراجعین و ثبت نام کنندگان اناث واجد شرایط ثبت نام، محلات جداگانه با مردان در نظر گرفته شود.

۶. در صورتی که دفتر مشترک انتخابات برای اجرای ثبت نام رأی دهندگان مهاجر در خارج ازکشور امکانات را مساعد بداند، قبل از اجرای ثبت نام، از آن کشور ها اجازهٔ اجرای ثبت نام افغانهای واجد شرایط اخذ گردد.

مادهٔ ششم:

مسؤلین دولتی و نمایندگان محلی مردم باید در جریان ثبت نام رأی دهندگان با اشخاصی که در ثبت نام مسؤولیت دارند، همکاری نمایند.

ثبت نام رأی دهندگان

مادهٔ هفتم:
شرایط ثبت نام:

هر فرد افغان که سن ۱۸ سال و یا بیشتر از آن را الی تاریخی که از طرف دفتر مشترک انتخابات اعلان می شود، تکمیل نموده باشد، با در نظر داشت مفاد این فرمان منحیث یک رأی دهنده حق ثبت نام را دارا می باشد.

مادهٔ هشتم :
تقاضای ثبت نام:

هر شخص واجد شرایط که خواهان ثبت نام باشد ، شخصا نزد تیم ثبت نام مراجعه نموده، طبق دستور العمل دفتر مشترک انتخابات ، بحیث رأی دهنده ، تقاضای ثبت نام خود را به عمل آورد.

مادهٔ نهم:
ثبت نام تقاضا کننده:

به تمام افرادی که به تأسی از این فرمان منحیث رأی دهندگان شناخته می شوند، کارتهای ثبت نام رأی دهندگان توزیع می شود. مشخصات کارت متذکره از جانب دفتر مشترک انتخابات تثبیت می گردد.

مادهٔ دهم:
حق شکایت :

هر فردی که تقاضایش مبنی بر ثبت نام محیث رأی دهنده رد شود، حق دارد در مقابل رد تقاضای خویش، طبق شرایط و طریقه یی که از جانب دفتر مشترک انتخابات وضع و دریعهٔ آگاهی عامه نشر می گردد، شکایت کند.

مادهٔ یازدهم :
فرستادن اسناد:

تمام اسناد حاوی ثبت نام رای دهندگان که طبق این فرمان جمع آوری می شود، باید هر چه زودتر به رئیس عمومی انتخابات فرستاده شود.

نظارت کنندگان و مبصرین

مادهٔ دوازدهم :
کمیته های نظارت کننده:

دفتر مشترک انتخابات می تواند به ایجاد کمیته های نظارت کننده درمحل موافقه نماید. کمیته های مذکور می توانند از عملیهٔ ثبت نام رأی دهندگان نظارت نمایند و در مورد آن عده اشخاصی که طبق مادهٔ هفتم واجد شرایط ثبت نام نباشند، حین تقاضای آنها برای ثبت نام، مسئولین ثبت نام را درجریان قرار دهند.

مادهٔ سیزدهم :
مشارکت احزاب سیاسی

۱. احزاب سیاسی یی که در وزارت عدلیهٔ دولت افغانستان ثبت گردیده باشند، حق دارند از طریق نمایندگان محلی خود مطابق شرایطی که از طرف دفتر مشترک انتخابات نشر می شود، از جریان ثبت نام رأی دهندگان همان محل نظارت کنند. بدین منظور دفتر مشترک انتخابات، تاریخ آغاز و ختم پذیرش درخواست های احزاب سیاسی را جهت مشارکت در پروسهٔ ثبت نام تعیین و اعلان می نماید.

۲. آن عده احزاب سیاسی که اجازهٔ مشارکت در پروسهٔ ثبت نام را حاصل نموده باشند حق دارند ، در صورت عدم رعایت مادهٔ هفتم و شرایط ثبت نام مطابق طرز العملی که از جانب دفتر مشترک انتخابات به آگاهی عامه رسانیده می شود، اعتراض نمایند.

مادهٔ چهاردهم:
مشارکت نظارت کنندگا ن:

دفتر مشترک انتخابات می تواند سازمانهای داخلی وخارجی را اجازه دهد تا در جریان ثبت نام رأی دهندگان، مطابق طرز العملی که از طرف آن اداره به آگاهی عامه رسانیده می شود، منحیث نظارت کنندگان اشتراک نمایند .

لست های ابتدایی و نهایی رأی دهندگان

مادهٔ پانزدهم:
لست های ابتدایی رای دهندگان :

رئیس عمومی انتخابات لست های ابتدایی رای دهندگان هر ولایت را جمع آوری نماید. این لست ها از طرف دفتر مشترک ص ۵

موږ بايد په راتلونکي کي په خلکو او پارلمان . . .

ده او يو تعداد مسودي شته چي په هغو کي د پارلماني نظام خواته يا کم از کم دمختلط نظام پلوي کيده اما په اخرو ورځو او شپو کي دولت تمايل پيدا کړ چي په هر قيمت چي وي بايد رياستي نظام مينځ ته راشي دهمدي تحميل او مداخلي په اساس و چي دجرګي نمايندګان په دوو برخو وويشل شول او په حقيقت کي داتقريباً يو تحميلي تقسيم بندي وه.

پوښتنه: په هرصورت داچي څومره جناح بندي وشوه له دي نه به تير شو تاسوله دي اساسي قانون څخه څومره راضي ياست؟

ځواب: دجرګي په دوران کي بيا داسي خبره منيځ ته راغله چي رياستي نظام او يو قوي پارلمان منيځ ته راشي چي تقريباً د دواړو خواو غوښتنه په کي راشي.

پارلمان ته يوه اندازه زيات واك ورکړي شو. له دي کبله کيداي شي چي مونږ ووايو چي تقريباً يو مختلط خو نه بلکه يواندازه پوري دپارلماني او رياستي يو مختلط شکل مينځ ته راغي.

پوښتنه: ايا تاسو قانع ياست په دي اساسي قانون باندي؟

ځواب: زه خودي ته خوشحاله يم چي زمونږ هيواد ته قانون جوړ شو که لږ څه خلاهم ولري له بي قانوني نه ښه دي او مخصوصاً په ورستني اوضاع کي چي مونږ په خپل ملك کي امنيت ته ضرورت لرو. سياسي ثبات وروګلوي او اخوت ته ضرورت لرو کوشش وکړودغه اساسي قانون چي منځ ته راغلي دي دتطبيق لپاره ورته ذهنيتونه برابر شي. د دي لپاره دي همکاري او تعاون وشي.

پوښتنه: ډير داهم ګڼي چي دلويي جرګي په مهال ډيري غوښتني چي له د واړو لورونه مطرح کيدي دي غوښتنو تکتيکي بڼه درلوده تاسي هم له دغسي يو نظر سره موافق ياست؟

ځواب: زه دغوښتنو بالکل طرفدار نه وم چي حاشيوي يا جدي غوښتنه په جرګه کي مطرح شي خو متاسفانه کله چي دمداخلي خبره راغله تحميلي تقسيم بندي منځ ته راغله دبحران دايجادولو لپاره يو

زه خودي ته خوشحاله يم چي زمونږ هيواد ته قانون جوړ شو که لږ څه خلاهم ولري له بي قانوني نه ښه دي او مخصوصاً په ورستني اوضاع کي چي مونږ په خپل ملك کي امنيت ته ضرورت لرو. سياسي ثبات وروګلوي او اخوت ته ضرورت لرو کوشش وکړودغه اساسي قانون چي منځ ته راغلي دي دتطبيق لپاره ورته ذهنيتونه برابر شي

تعداد جدي غوښتني منځ ته راغلي زما دلچسپي په کي نه وه.

زما کوشش داو چي اصلاً مونږ په اصولي خبرو ډير زيات ټينګار وکړو نه په داسي جزوي جزوي غوښتنو.

پوښتنه: جناب استاد که اختلافي خبري پريږدو ستاسو له نظره د دغه قانون ښيګڼي څه دي او نيمګړتياوي ني څه دي په لنډ ډول که راته و واياست؟

ځواب: قانون هرڅومره چي خلا ولري نو له بي قانوني نه ښه دي په دي قانون کي ښيګڼي هم شته خلاګاني هم شته البته په بشري قوانينو کي چي هرڅومره کمال مطلوب ته ورسيږي بياهم خلاګاني په کي شته.

پوښتنه: تاسو دقانون دعملي کيدو اړتيا ته اشاره وکړه ستاسو په نظر د دي قانون دعملي کيدو ښي لاري چاري کومي دي او که په وړاندي ني خنډونه وي ستاسو په ګمان د دي خنډونو لري کولو لاري چاري څه دي؟

ځواب: دقانون په عملي کولوکي دوه طرفه مسئوليت لري يو نظام او حکومت چي مجري دقانون دي او بل خلك چي دوي دقانون په وړاندي خنډونه پيدا نه کړي زماخيال دادي په اوسنيو شرايطو کي د دي لپاره چي داقانون په ښه توګه عملي شي يو

دقانون په عملي کولوکي دوه طرفه مسئوليت لري يو نظام او حکومت چي مجري دقانون دي او بل خلك چي دوي دقانون په وړاندي خنډونه پيدا نه کړي زماخيال دادي په اوسنيو شرايطو کي د دي لپاره چي داقانون په ښه توګه عملي شي يو دادي چي حکومت صادقانه صميمانه د هغه دعملي کولو لپاره تصميم ونيسي که داحکومت وي او که نور چي راځي او بله دا ده چي داسي يو فضا منځ ته راشي

دادي چي حکومت صادقانه صميمانه د هغه دعملي کولو لپاره تصميم ونيسي که داحکومت وي او که نور چي راځي او بله دا ده چي داسي يو فضا منځ ته راشي دملي وحدت او دملي وروګلوي يو څه بي اعتمادي چي دکشمکشونو او تحميلي جنګونو په وسيله منځ ته راغلي زمونږ دملت له مينځه لري شي او د اعتماد او اخوت فضاء منځ ته راشي دا ډير مهم ټکي دي.

پوښتنه: دغه دبي اعتمادي فضا چي تاسو ورته اشاره وکړه دا به څوک لري کوي د دي مسئوليت دچا په غاړه دي؟ دملت، دخلکو، دقومونو، دبيلابيلو ډلو، ستاسو په نظر ډيره ذمه واري دچا ده؟

ځواب: دا دحکومت ذمه واري ده، دقومي مشرانو. سياسي مشرانو، فرهنګيانو زمونږ ټول خلك په دي کي مسئوليت لري بايد دواړه طرفه يو بل سره لاس ورکړي حکومت خلکو سره او خلك حکومت سره او خلك يو له بل سره همکاري ولري چي دبي اعتمادي دغه فضا له مينځه لاړه شي.

پوښتنه: جناب استاد يو بله خبره چي ډيره کيږي هغه داده چي دواړه خواوي وايي: دوي ملي وحدت ته درسيدو په خاطر دقانون دتصويب په مهال په ډيرو برخو کي له خپلو غوښتنو په شاه شوي دي ستاسو په نظر دغه هدف يعني ملي وحدت ته رسيدل دقانون دتصويب په پايله کي څومره ترلاسه شوي دي؟

ځواب: زه فکر کوم چي ملي وحدت زمونږ يو مقدس هدف دي ټول بايد هلي ځلي وکړو چي دامساله بالکل يواځي په شعار او الفاظو کي خلاصه نشي بايد عملي بڼه پيدا کړي دا ډيره ضروري خبره ده او زه يقين لرم چي زمونږ خلك که پخپل حال پريښودل شي دوي له ملي وحدت سره ډيره مينه او محبت لري.

په دي کي داسي اساسي مشکل زه نه ګورم چي داسي حل ناشده خبري او قيصي چي ددي ملت په منځ کي شته يو بل ته نه شي کولاي چي لاس ورکړي زه په دي عقيده يم چي داملت وحدت غوښتونکي ملت دي او غواړي چي متحد اوسيږي اوتفرقه نه غواړي تفرقه يوه تحميلي او ددي ملت له وجدان سره يو مخالفه خبره ده له دي کبله زه يقين لرم چي دغه زمونږ ملت قومونه سياسي او فرهنګي ګروپونه ټول علاقه لري چي ملي وحدت او يووالي منځ ته راشي.

پوښتنه: يعني که ستاسو څرګندونو ته وګورو په دي کي ملت پرنه دي مانا داچي د دي مسئوليت دمشرانو په غاړه دي چي دغه حالات يو څه کړکيچني شوي دي؟

ځواب: زه فکر کوم چي کله دخارجي لاسوهنه. کله دحکومت له طرفه. کله دخينو مشرانو، له خوا دغه کار شوي زه يقين لرم چي دا مساله دملت مسئوليت نه دي.

پوښتنه: دقانون په بيلابيلومادو کي په عملي توګه داسلام او دموکراسي يو ډول ترکيب ليدل کيږي ستاسو په نظر د دغسي ترکيب عملي کيدل البته خوا په خوا داڅومره شوني دي؟

ځواب: په هر ملك کي دخلکو غوښتنه اساسي خبره ده که دموکراسي وي که نور نظامونه وي بايد دخلکو له غوښتنو سره مطابق وي. دموکراسي په هر ملك کي يوشان تطبيق کيږي نه. او اسلام اصلاً ددموکراسي له اصولو سره مخالفت نه لري ولي که دموکراسي

زه فکر کوم چي ملي وحدت زمونږ يو مقدس هدف دي ټول بايد هلي ځلي وکړو چي دامساله بالکل يواځي په شعار او الفاظو کي خلاصه نشي بايد عملي بڼه پيدا کړي دا ډيره ضروري خبره ده او زه يقين لرم چي زمونږ خلك که پخپل حال پريښودل شي دوي له ملي وحدت سره ډيره مينه او محبت لري

په دي تعريف چي حکومت مردم توسط مردم وبراي مردم داخو داسلام تقريباً يو مهم سياسي نظام يوه برخه ده دموکراسي هرچيري خاص تطبيق او شکلونه لري له دي کبله په افغانستان کي هم د دموکراسي په هکله خبري کوو چي دموکراسي تطبيق شي.

زه فکر کوم هغه اصول چي دعدالت دتطبيق مقصد په کي شامل وي د دين او اسلام له نظره ورسره کوم مشکل نه لرو اما ځيني خبري دي چي دنورو جوامعو دنورو خلکو څه غوښتني دي هغه غوښتنه البته زمونږ دخلکو دغوښتنو سره سل په سلو کي موافق نه دي له دي کبله کيداي شي د دموکراسي په متعلق کي دافغانستان بل شکل تطبيق ولري حتي په دريمه نړي کي پخوا دسوسياليزم خبري کيدي غربي سوسياليزم خداي دي وبخښي ميونډوال افغاني سوسياليزم ورته نوم کيښوده يعني مطلب ني داو چي که سوسياليزم وي دموکراسي وي چي په مختلفوفرهنګونو، مختلفو ملکونو کي تطبيق کيږي خپله يو خاص تطبيق لري داسي نه دي چي په ټوله نړي کي په مساوي شکل تطبيق شي.

پوښتنه: نو په همدي برخه کي داساسي قانون په اړه و چي بعضي وکيلانو په ځينو مادو کي دتعديلاتو وړانديزونه دغربي دموکراسي مظهر باله بيا وروسته دغه تعديلونه راغلل ستاسو نظر په دغه مشخص مورد کي څه دي؟

ځواب: زه فکر کوم چي دادخلکو حق دي خپل نظريات و وائي له دي کبله استازيو ته وړاندي شو چي خپل نظر و وائي او د دموکراسي همدا مانا ده چي خلك خپل نظر ازاد و وائي دموادو په هکله چي دقانون مربوط دي دخلکو راي ازادي دي چي خپل راي و وائي او استازيو هم له همدغسي دازادي څخه استفاده وکړه خپل نظرني وړاندي کړ.

پوښتنه افغانستان کي اوبهر دافغانستان اسلامي جمعيت دتنظيم په اړه داسي نظر هم موجود دي چي داتريو خايه پوځي تنظيم بولي د دي پرځاي چي دسياسي ګوند تعبير وشي او اوس په افغانستان کي دسياسي ګوندونو قانون هم نافذ دي د دغه قانون دحکم له مخي يوازي هغه ګوندونه دفعاليت حق لري چه هغه پوځي تشکيلات ونه لري او پوځي ډلو پوري تراو ونه لري تاسو دي ته حاضرياست چي خپل پوځي تشکيلات منحل اعلان کړي يا پخپله پاليسي کي ژوربدلون راوړي؟

ځواب: اول زمونږ تنظيم يو سياسي تنظيم و. يوفرهنګي تنظيم و. کله چي دروسانو حملي وشوي زمونږ داملي او اسلامي مسئوليت و چي دجهاد او دملك دفاع لپاره مونږ سلاح واخلو خارجي تهاجم سره مقابله وکړو اصلي زمونږ تنظيم کله چي په افغانستان کي جوړ شوي و ديو سياسي فرهنګي فکر داصلاحاتو لپاره و.

کله چي دمجاهدينو حکومت منځته راغي ما پخپله اعلان وکړ چي پس له دي نه دجمعيت تنظيم چي جهادي مسلح تنظيم و هغه ختم شو اوس سياسي کار شروع کړي کله چي دطالبانو له شکست نه پس بياهم دغسي خبري وشوي چي زمونږ مسلح کسان ارتباط لري وزارت دفاع ته او هغه تنظيم چي دي هغه سياسي تنظيم دي او هغه اوله بڼه ني چي درلوده هماغه شکل ني اختيار کړي دي او په ټوله دنيا کي اوس مثلاً الجزايريان چي اوس په الجزاير کي جبهه ازادي لري اوس تقريباً په کلونو کلونو کي دوي حکومت په لاس کي لري دوي يو مسلح تنظيم و او ملي تنظيم و دفرانسي له استعمار سره ني مبارزي وکړي او کله چي استعمار ته ني شکست ورکړ حکومت ني په لاس واخيست تر اوسه دجبهه ازادي غړي په دي حکومت کي دي او هر ملي تنظيم کله چي دملك مساله منځ ته راشي دملك دساتني دملك دتحفظ دملك ددفاع لپاره هغوي مجبور دي چي دفاع وکړي که دفاع ونه کړي ماناني داده چه هغه تنظيم ملي تنظيم نه دي

۵مخ

نگرشی زیبا پسندانه در شعر استاد لطیف ناظمی

چند "تعبیر" وچند "تصویر"

بخش دوم

کوه نوری

استاد لطیف ناظمی از شاعران پر آوازه وخوش نام کشور عزیز ما می باشد. اگر جمع شاعران بالادست افغانستان را به اندازهٔ انگشتان دست شان بدانید، بی گمان استاد ناظمی یکی از آنان است که باز در این میان اسمش شاید درکنار استاد واصف باختری همردیف شود.

هرچند استاد ناظمی، سالهاست از محیط دری زبانان به دور است و کوله بار بردوش افگنده کوچه های غربت وآوار گی را طی می کند، ورنج دوری از وطن وزادگاهش را می کشد، باآنهم در سالیان پسین سروش شاعرانه از حدیقهٔ آفرینش وقریحهٔ شاعرانهٔ او به دور نبوده وتااکنون خاموش ننشسته است.

استاد در محیط غربت و آوارگی مانند بلبلی که پروبالش را با تار جور وستم ببندند وبه قفس طلایین محصورش کنند، دور از وطن و وطنداران وهمیاران وکوی وبرزن وطن فریاد سوزناک وجانکاه برمی کشد وچنان درد آلود می نالد که پژواکش دل آدمیان بی همه چیزی چون من وماها را برخون می نشاند.

آری استاد در محیط هجرت نیز خاموش ننشسته است وبا آن که از بستر مادری شعر وادبیات فارسی درمیان زاد وبوم فرهنگی بیگانه می زید قلمش اندوه دوری او را از«مادر» سوگمندانه می نگارد.

این قلم را یارای آن نیست که در چند وچون شعرهای استاد چیزی بنگارد ولی درا ین مقال کوچک پهلوهای زیبا وتعابیری چند از غزل های او را نمونه وار می آورم تاحاصلی باشد از جستجوهای من در مجموعه«از باغ تاغزل» استاد.

غربت آن درد خانمان سوزی است که هروطندوستی را می آزارد. گاه این درد مقاومت سنگ را هم آب می کند واز پای می اندازد:

بغبغوی مست کبوتر، شب زگنبدی نشنیدم
خنده های آبی کاشی، برلب مناره ندیدم
آسمان تیره اگر بود، لیک قرص ماه نبودش
روی بام وبر سر ایوان غیرماهواره ندیدم
سازوبرگ و زین ورکابم، یک قلم شکسته به غربت
خویش را بر اسب مرادی، هیچگه سواره ندیدم

ناظمی که صبح ها را باصدای آذان از گلدسته ها ومناره ها برمی خاست اکنون در سرزمینی گرفتار است که بجای مناره ها وگلدسته ها آنتن های ماهواره یی برفراز بامهایش نمودار اند واو ناگزیر بافریاد و زوزهٔ ماشین ها صبح ها را بیدار شود!

او گرچه تارک وطن شده است ولی دلش باوطنش است واین عذر را پیش می کند که:

برمن مسافر دلگیر، این گنه ببخش دیارا
از کنار زخم تو آنروز جز گریز چاره ندیدم

ضمیر او آن آگاه هجران زده است که می داند کی به سر وطنش چنین روزهایی سیاه را آورده است:

باد آمد وخدیو چمن گردید
انبانش پرزحیله وپر ترفند

نیلوفر وشقایق وشببو را
در پیش چشم باغ به خاک افگند

او این باد را تفریق می کند ومی داند که بر سرنیلوفران وشقایق های سرزمینش چه بلایی را آورده است تا آنجا که:

ابر سیاه وحشی چرکین زا
دامان سبز دشت و دمن آگند
آلود جان باغچه راچرکاب
اندود گیسوان چمن باگند

هرچند او درگیر ودار بلایا ومصایب بی شماری است که بروطنش سیه دلان وسیه اندیشان آورده اند، از سنگر«رسالت» برمی خیزد ونعره می زند که ای پرندهٔ در تبعید! مگذار که خونبهای شهادت های بی شمارشقایق هاونیلوفران، کاجهای سرزمینش به روز آخر بماند:

پرواز کن پرندهٔ در تبعید
فرمان باغ درکف شب تاچند
مگذار خونبهای شهادت را
فردا به نزد داور ورجادند

آزاد اندیشی وآزاد منشی شاعر مقاومت گرا، از رسالت شاعران ناشی می شود وناظمی بی گمان چون کوهی پایدار همیشه در سنگر مقاومت ایستاده است. رسوایی خودکامه ها را می نماید ونشان می دهد که چرا ناله هایش در نی نامه های سروده می ماند:

روزگاری شد که جای رنگ وجوهر، خامه ها
خون به لب دارند از رسوایی خود کامه ها
ریشه های واژهٔ پوشیده در قاموس ها
ناله های من فرو مرده ست درنی نامه ها

وقتی شب وشب پرستان طاغوت وار برهستی وطنش مستولی می شوند وزندگی را به پرتگاه مانند می کنند دیگر خود را غزل سرا نمی داند:

برنمی خیزد زپنهانگاه شب بوی سحر
پیکر خورشید راپوشیده اند عمامه ها
بعد از این شیدایی وشعر وغزل از من مخواه
قصهٔ خون وشبیخون اند دیگر چامه ها

بلی، در زمانه او دیوار(دشمنان وطن، دشمنان ترقی وآزادی وآزادگی هم میهنانش وآنانی که از چپ وراست برسرزمینش تجاوز کرده اند) هفت شهر عشق را که سرزمینش وسرزمین بهشت آسای او است به غارت برده اند او رستم ها وسهراب ها را برای انهدام حکومت دیوها فرامی خواند:

هفت شهر عشق را دیوان به غارت برده اند
رستم وسهراب را آرید از شهنامه ها

ناظمی وقتی سایه های شوم شلاق وتازیانه را برشانه های صبح وطنش می بیند به خود بانگ می زند که:

زسوگنامهٔ شلاق شب به شانهٔ صبح
زقتلگاه سحرهایی نشانه بگو
زآفتاب که در بند ابر وصاعقه است
واز حریق شبانگاه آشیانه بگو

ناظمی وقتی در مغرب زمین خود را در بهشت رؤیاهای بسیاری می بیند خود را به اصل خود هنوز پابند ومرتبط می بیند. مانند بسیاری دیگر نیست که وقتی به رفاه وآسایش در سرزمین بیگانگان رسیدند، اصل وریشهٔ خود رافراموش می کنند:

من تکدرخت شرقی مغرب نشینم
جا مانده آنجا ریشه ام در سرزمینم
او از مصیبت«جنگ» لعین آواره است.
خونین چنار بیشهٔ خاکستر و دود
زقوم تلخ جنگل جنگ لعینم
با آنکه او در مهد رفاه وآسایش است:
صد سال اگر این آسمان برمن ببارد
من هیمهٔ خشکم، همین بودم همینم
هرگز نمی رویم نمی بالم در این خاک
یارب کجا شد ریشه ام، خاکم، زمینم؟

ولی رنگ اندوه وسایهٔ یأس گاهی از تداوم ظلمت ونبود خورشید در صدایش همهمه گر می شود می گوید:

کاری از این دست دعا هم برنمی آید
ببریده اند اینجا گلوی مرغ آمین را

که هرگز چنین مباد.

دوغزل از استاد لطیف ناظمی

اگر به خانهٔ من می روی

اگر به خانهٔ من می روی بهار بیاور
سبدسبد گل نارنج از آن دیار بیاور
هزار کوچه لبالب زخوشه خوشهٔ خورشید
هزار باغ پر از سایهٔ چنار بیاور
چمن چمن پر از آواز سبز سبز قناری
وبرکه برکه نسیم ز رود بار بیاور
دریچه ها پر از آن آبی مشبک من کن
ستاره های فروزنده بیشمار بیاور
هوای تازه ونمناک دره درهٔ وحشی
سکوت سنگی ومعصوم کوهسار بیاور
چو آفتاب نشیند به شانه های هریوا
از آن غروب به شبهای انتظار بیاور
شبی بدزد شمیم تمام تاکبنان را
گل بهار زدامان گلبهار بیاور
طنین شکوهٔ خیل کبوتران خدا را
زپشت گنبد مولاعلی نثار بیاور
سلام من برسان بر اسیر درهٔ یمگان
زشهر زلزله ها لعل آبد ار بیاور
چهار خمکده از باده های تلخ نرون را
دو مهر ماه انارم زقندهار بیاور
گلاب وعنبر وعود وسپند ومشک وقناویز
گلاب وصندل وریحان جویبار بیاور
زکوچه باغ پر از یاد خاطرات قدیمی
شبانه بگذر ویکدسته بوی یار بیاور
•••
چه یاوه بافته ام من چه انتظار غریبی
برای من خبر شهر سوگوار بیاور
زکوی وبرزن من مشت مشت خاک پر از خون
به فصل غربت من طور یادگار بیاور

شب شسته در دریای خون، گیسوی مشکین را

رگبار برد از چشم گلها، خواب نوشین را .
در سالمرگ کاج دیدی اشک باران را؟
از باغ بی برگی شنیدی شعر نفرین را؟
در شاخهٔ نارنج خواندی شعر خاکستر؟
برساقه های سرد دیدی صمغ سربین را؟
امیدواری چیست در فصلی که هر روزش
پرکرده از نعش علف تابوت زرین را
در این زمستان نیست دستی تافرو روید
از طره های بید مجنون برف خونین را
کاری از این دست دعا هم برنمی خیزد
ببریده اند اینجا گلوی مرغ آمین را
من می شناسم گر درخت مزرع خود را
باور نمی دارد بهاران دروغین را
دیگر کبوتر از عروسک ها نمی ترسد
برچین از این مزرع مترسکهای چوبین را
ماکشتگان هجرتیم اما زکرگسها
کس می ستاند انتقام خون شاهین را؟

جلوهٔ جانانه

عشق را مفهوم خواهی؟ از من دیوانه پرس
یعنی از این جسم بی جان جلوهٔ جانانه پرس
شعع آزادی چومن پروانه ها بسیار سوخت
رمز وصل شمع را از مردهٔ پروانه پرس
چاپلوسا! منعمان(۱) را چند پرسی کیف حال؟
حال خوشحالان برو از گوشهٔ ویرانه پرس
ای که بهر هر زمستان می خری سامان(۲) لوکس
این زمستان از یتیم بی سروسامانه پرس
خام طبع از غمزهٔ دلدار کی دارد خبر؟
از مزار جان سپاران جلوهٔ مستانه پرس
کشتگان عشق را آخر نفس یک گفته است؛
این حکایت از دم شمشیر بی باکانه پرس
گرندانی خون عاشق تا کجاها سرخ کرد،
رومعما از لب معشوق مشتاقانه پرس
شور شیرین کس نمی دانست اند ر خون کیست
از دهان تیشهٔ فرهاد، این افسانه پرس
نشنوی امروز آوازم، ولیکن بعد مرگ
نالهٔ زار من از دیوار محبس خانه پرس
"بلخی"! از آزاد نفسان راز آزادی مجوی
از شهیدان وطن این راز آزادانه پرس

مور باید په راتلونکي کي په خلکو او پارلمان . . .

پوښتنه: اصلاً مشکل په دي کي دي چي نن سبا په افغانستان کي اکثره ډلي دخپل حضور لپاره په پوځي ډلو ډیره تکیه کوي دا یوازي دجمعیت تنظیم مشکل نه دي دا په افغانستان کي عمومي مشکل دي ستاسو په نظر ددي ضرورت نه دي چي نور په دغه پوځي ډلو باندي تکیه کول شاه ته واچول شي او پرځاي ئي پرخلکو تکیه وشی؟

زه سل په سلوکي موافق یم مونږ په خلکو تکیه لرو که په خلکو زمونږ تکیه نه واي دومره اوږده مبارزه خو ګرانه وه حتي دطالبانو په دوران کي افغانستان یوازي پریښودل شو دادملت حمایت و چي له مونږ سره دومره طاقت و چي مونږ دغه مبارزه سرته ورسوو او ادامه ورکړو

خواب: زه سل په سلوکي موافق یم مونږ په خلکو تکیه لرو که په خلکو زمونږ تکیه نه واي دومره اوږده مبارزه خو ګرانه وه حتي دطالبانو په دوران کي افغانستان یوازي پریښودل شو دادملت حمایت و چي له مونږ سره دومره طاقت و چي مونږ دغه مبارزه سرته ورسوو او ادامه ورکړو او اوس مونږ بالکل سل په سلو کي موافق یوو چي باید سیاسي کار نظامي بڼه ونه لري او کوم کسان چي مسلح دي خپله سلاح دي د دفاع وزارت ته تسلیم کړي او سیاسي مبارزه دي وکړي فرهنګي مبارزه دي وکړي زه قطعاً د دي طرفدار نه یم چي څوك دسلاح په زور ځان تحمیل کړي متاسفانه زمونږ ډیر مشکل دملك همدا و چي تحمیلي شرایط و او تحمیلي شرایط دوامداره نه وي او دخلکو لخوا رد کیږي.

پوښتنه: په جرګه کي داسي معلومیدل چي دجمعیت غړي په یوه خوله نه دي په ډیرو مواردو کي اختلافونه درلودل او حتي جلا جلا کرنلاري خپلي کړي دلیل ئي څه دي؟

خواب: البته دتنظیم دنمایندګانو لاره یوه وه کیداي شي چي یو تعداد دکابیني غړي وه هغو دخپلو وزارتونو او دکابیني له فیصلو سره مجبور وه چي څه چي په کابینه کي فیصله کړي هغه وکړي.

او همدغسي یو تعداد ئي وروسته له کابیني نه خپل موقف جلاکړ او خپلي شفافي خبري ئي وکړي.

پوښتنه: یعني تاسو خپل دتنظیم دسیاسي کړي دکسانو په یووالي ډاډه یاست؟

خواب: په هر تنظیم کي البته څه خاص خاص افکار شته انسانان تول ماشیني پرزي نه دي هر انسان دخپل ذهن فکر خاص ترکیب دي دقضایا و په هکله خپل خاص طرز دید لري په عمومي توګه دتنظیم دنظریاتو او افکارو په مینځ کي څه توپیر او اختلاف نشته.

پوښتنه: دپیام مجاهد داونیزي چلونکي حفیظ منصور وائي چي ددوي په سلوکي شپیته غوښتني په اساسي قانون کي منل شوي دي نوري ئي نه دي منل شوي تاسو هم دغه له نظر سره موافق یاستي او که نظر مو بل ډول دي؟

خواب: البته دهر ورور نظر محترم دي دادمنصور صاحب نظر دي کیداي شي زما نظر سل په سلو کي ده سره موافق نه وي اما فکر کوم چي یو ډیر ګڼ تعداد غوښتني چي یوازي دجمعیت غوښتني نه وي دا غوښتني تقریباً دیو تحریك خبره ده او یوازي دشمال خبره نه وه بلکه دجنوب دشرق دمختلفو اقوامو پشتون تاجك ازبك هزاره بلوچ مشترکه پیشنهاد هم داوء چي اوس دجمعیت دغړیو په نامه تمام شو چي ګویا دجمعیت غوښتنه ده او حقیقت دا وء دادجمعیت غوښتنه نه وه او دا د وکیلانو دمختلفو طبقو خلکو یوه ملي خوښتنه وه.

پوښتنه: داساسي قانون تصویب دبن دقرار داد یو مهم تکي وء خو یو بل مهم تکي تول ټاکنه ده چي دبن دقرار داد وروستي پړاو بلل کیږي اوس چي قانون تصویب شو تاسو دراتلونکي کال دتول ټاکني لرلید څه ډول ویني؟

خواب: زه فکر کوم ددي کار پخپل وخت اجراء کول ګران بولو ولي تر اوسه پوري منظمه احصائیه مینځ ته نه ده راغلي او ماته هم ډیر زیات عجیب ښکاري له یوي خوا اساسي قانون لاجوړ شوي نه وء اما دریاستي نظام دپاره وخت یو تعداد کارونه روان وء چي ګویا درئیس جمهور دټاکلو لپاره څه بند وبست وشي او حقیقت داوء چي معلومه نه وه چي پارلماني فیصله به وشي یا ریاستي نظام دابالکل له وخت نه مخکي خبره وه او اوس هم یو بله خبره ده چي اوس یو ډول فورمي ویشل کیږي اودنفوس تذکري نه شته زه حیران یم چه دنفوسو تذکري جوړي نه دي او فورمه دکارت انتخابات لپاره جوړیږي دا بالکل غلطه خبره ده اول بایدد نفوس احصایه واخستل شي. دا خو بالکل داسي معلومیږي چي لاس وهنه په کي راځي او وخت هم یقیناً کم دي زه فکر کوم حتي له مونږ سره دافکر وء کله چي ددي انتخابات په هکله مو ویل کله چي دا پیشنهادوشو چي د رئیس جمهور او دشورا انتخاب په یو وخت کي وشي کله چي دملل متحد دیو ناما لخوا داسي پیشنهاد وشو چي مونږ داکار نشو کولاي وخت ډیر کم دي زمونږ غوښتنه داوه کیداي شي چي دا دواړه په یو وخت وشي دري میاشتي تمدید شي دهمدي شورا له طرفه یا یو انتقالي شورا جوړه شي چي همدا انتقالي شوري دري میاشتي تمدید ورکړي چي دواړه انتخابات په یو وخت کي وشي زه فکر کوم یوڅه مشکلات شته.

پوښتنه: یعني تاسو وائي چي انتخابات په ټاکلي وخت کي نه شي کیداي؟

خواب: فکر کوم چي که مونږ وغواړو شفاف انتخابات وشي لږ وخت ته ضرورت شته او ددي شفافیت لپاره تول کارونه تولي خبري داسي مینځته راشي چي تول خلك په کي مطمئین شي که دا اطمینان را نه شي بیا زه فکر کوم چي په دي ملك کي زمونږ د بحران احتمال شته او دا بحران بي اعتمادي ته لمن وهل دي له دي کبله فکر کوم چي مسائل شفاف وي او که دري میاشتي یا دوه میاشتي تمدید هم وشي څه فرق نه لري لاکن مهمه خبره داده چي دا انتخابات یو شفاف انتخابات وي او بي له کومي مداخلي نه منځته راشي او که دخلکو اعتماد جلب نه شي بیا متاسفانه دبي اعتمادي دفضا درامينځته کیدو بل عامل مینځ ته راځي

په هر تنظیم کي البته څه خاص خاص افکار شته انسانان تول ماشیني پرزي نه دي هر انسان دخپل ذهن فکر خاص ترکیب دي دقضایا و په هکله خپل خاص طرز دید لري په عمومي توګه دتنظیم دنظریاتو او افکارو په مینځ کي څه توپیر او اختلاف نشته.

ثبت نام برای . . .

انتخابات به شکل معین، در اوقات ومحلاتی که ذریعهٔ آگاهی عامه تعیین واعلان می شود، به نشر می رسد.

مادهٔ شانزدهم:
تقاضای شمولیت نام در لست ابتدایی :

در صورتی که یک رأی دهندهٔ ثبت شده کارت معتبر ثبت نام را به دست داشته باشد اما نام موصوف در لست ابتدایی رأی دهندگان درج نشده باشد، حق دارد متقاضی شمولیت نام خویش در لست ابتدایی رأی دهندگان شود.

مادهٔ هفدهم:
حق اعتراض بر موجودیت نام یک شخص درلست ثبت رأی دهندگان :

هر رأی دهندهٔ ثبت شده حق دارد بر موجودیت نام یک فرد ثبت شدهٔ دیگر در لست رأی دهندگان مبنی بر این که رأی دهنده دومی فاقد شرایط رأی دهي مطابق مادهٔ (هفتم) می باشد، و یا به دلیل این که نام او در لست ابتدایي بیشتر از یکبار درج گردیده است، اعتراض نماید. این حق اعتراض مطابق شرایطی که از طرف دفتر مشترک انتخابات نشر می شود، صورت مي گیرد.

مادهٔ هژدهم:
صلاحیت فسخ ثبت نام:

رئیس عمومي انتخابات می تواند قبل از نشر لست نهایي رأيِ دهندگان، در صورتی که لست ثبت نام بر اساس شواهد موءثق مشکوک به نظر برسد، تجدید نظر نماید. اگر رئیس عمومي انتخابات به فسخ لست ثبت نام مذکور تصمیم بگیرد، حکم اصلاح لست و یا بطلان کارت ثبت نام را صادر نماید.

مادهٔ نزدهم:
تسلیم دهي و نشر لست هاي نهایي رأی دهندگان:

دفتر مشترک انتخابات بعد از فیصله درموردتمام اعتراضات وشکایات قابل پذیرش تحت این فرمان، وبعداز بررسي تمام اسناد مربوطه و معلومات دیگر، لست نهایي رأی دهندگان را بر اساس لست هاي ابتدایي و اصلاحات لازمي که طبق این فرمان در آن صورت گرفته، تهیه و به کمیسیون دایمي انتخابات افغانستان تسلیم می دهد.

احکام متفرقه

مادهٔ بیستم
شکایا ت و بررسی ها:

دفتر مشترک انتخا بات شرایط وطرزالعمل های سمع شکایات، تحقیق ومسائل دیگرمر بوط به پروسهٔ ثبت نام به شمول بی نظمی های احتمالی را ذریعهٔ آگاهی عامه اعلان می نماید.

مادهٔ بیست ویکم:
تخطی ها وجریمه:

دفترمشترک انتخابات صلاحیت داردعمالی را که تحت این فرمان تخلفات شناخته می شوند، مشخص ساخته به آگاهی عامه برساند. همچنان دفتر مشترک انتخابات صلاحیت دارد افراد وسازمانهای متخلف رامشخص ساخته به آنها هشدار دهد. دفترمشترک انتخابات مواردمدلل تخلفات راغرض ارزیابی عاجل به مقاما ت مربوط دولت افغانستان ارایه می نماید.

مادهٔ بیست ودوم:
حفاظت ونگهداری معلومات:

ازمعلومات شخصی یی که درطی ثبت نام رأی دهندگان جمع آوری می شود فقط به منظورتهیهٔ لست نهایی رأی دهندگان استفاده می گردد.

ماده بیست و سوم :
امنیت :

وزارت داخله بامشورهٔ دفترمشترک انتخابات امنیت لازم را برای تمام اشتراک کنندگان در جریان ثبت نام رأی دهندگان تأمین نماید . وزیر داخله با مشوره با وزارتها و ادارات ذیدخل، در مورد جلب قوت ها از اردوی ملی و امنیت ملی جهت همکاری با پولیس در تأمین امنیت مرحلهٔ ثبت نام اقدام نماید. وزارت دفاع و ریاست عمومی امنیت ملی طبق مطالبهٔ وزیر امور داخله در بارهٔ تعین امنیت مرحلهٔ ثبت نام همکاری نمایند.

من الله التوفیق
حامد کرزی
رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان
***

یک نگاه شتابزده به این فرمان، ذهن را به یک خلای بزرگ درآن متوجه می سازد: دراین فرمان هیچ اشاره یی به تذکرهٔ تابعیت و اهمیت آن در ثبت نام نشده است. جناب رئیس دولت خواسته است با سپردن صلاحیت ساختن طرز العمل به دفتر مشترک انتخابات، خود از این مسؤولیت شانه خالی کند اما همین ابهام در فرمان خود کافی است تا مردم را نسبت به نیات پنهان دولت در این امر دچار شک و تردید سازد. دفتر مشترک انتخابات نیز به خاطر همین عدم صراحت در فرمان، ضرورت ارایهٔ تذکرهٔ تابعیت را در ثبت نام یکسره زاید دانسته است.

درمصاحبه یی که رادیوبا مسؤول یکی از مراکز ثبت نام داشت از وی پرسید که آیا شما در ثبت نام از افراد، مطالبهٔ ارایهٔ، تذکرهٔ تابعیت آنان را می نمایید یا نه؟ وی گفت: نخیر! تذکرهٔ تابعیت مهم نیست، ما فقط نام شان را می پرسیم.

در برابر این سوال که چگونه تشخیص می دهید که شخصی که غرض ثبت نام به شما مراجعه می کند قبلا در مرکز دیگری ثبت نام نکرده باشد؟ وی گفت: ما از او می پرسیم که آیا قبلا ثبت نام کرده است یا نه؟ و بعد به حالت او متوجه می شویم. اگر تحت تأثیر قرار گرفت و دست وپاچه شد، معلوم می شود که قبلا ثبت نام شده وما او را ثبت نام نمی کنیم!!

اگر محترم رئیس دولت به این باور اند که ثبت نام به وسیلهٔ روان شناسان می تواند خلای ناشی از عدم ارایهٔ تذکرهٔ تابعیت را بگیرد و مانع از ثبت نام دوباره و یا چند بارهٔ افراد گردد، پس بهتر آن بود که این موضوع را در فرمان تذکر می دادند تا کار ثبت نام در این امر مهم فقط به روان شناسان سپرده می شد!

اما حقیقت امر این است که در هیچ کشوری از جهان، در امری چنین مهم و حیاتی که آنهم برای اولین بار عملی می شود، چنین پروسه یی ناقص و دست و پا شکسته روی دست گرفته نمی شود. باید ارایهٔ تذکرهٔ تابعیت در ثبت نام الزامی باشد و دولت باید به کسانی که تذکره ندارند، تذکره توزیع نماید. مهم نیست اگر این کار موجب به عقب افتادن انتخابات برای دو یا سه ماه گردد مهم این است که اساسی محکم برای این کار که امیدواریم نسل های آینده نیز به آن عمل کنند، گذاشته شود و از تقلب و شک و تردید ها در مورد نتیجهٔ انتخابات جلوگیری گردد.

دوسه گپ در بارهٔ نقد ادبی ۲

رهنورد زریاب

ارستو در سدهٔ چارم پیش از میلاد زنده گی می کرد. واما، شاهکار های اصلی ادبیات یونان، بین سده های هشتم وپنجم پیش از میلاد، پدید آمده بودند به سخن دیگر، این شاهکار های ادبی، بدون حضور ارستو، وبدون وجود«بوطیقا» ی او وحتا می توان گفت- بدون اتکا برهیچ نظریهٔ ادبی وبدون رهنمایی وپایمردی هیچ نقد گر ادبی، پا برعرصهٔ هستی نهاده بودند. یعنی، هنگامی که ارستو به کار نگارش«بوطیقا» آغاز کرد، انبوهی از آثار بزرگ ودرخشان ادبی، در گرد وپیش او، نور افشانی می کردند واو کتابش را- که هنوز هم ارزش بسیار دارد- در پرتو وجود درخشندهٔ همین شاهکارها نوشت واصول وفروع نظریه ها وعقایدش را، در این زمینه، از همین شاهکارها بیرون کشید.

از زمان ارستو تا امروز، نقد هنری- ادبی، چاره یی نداشته است مگر این که دست به دامان پرفیض وبرکت پدیده های اصیل، ماندگار وسنگین هنری- ادبی بزند وبرای غنا بخشیدن متن وهویت خویشتن، ونیز برای استوار ساختن پایه های هستی خودش، عمدتاً، از دست آوردها وبن مایه های ساختاری وزیبا شناسیک این پدیده ها بهره برداری کند. هرچند- چنان که لختی بعد ترخواهیم دید- نقد ادبی سدهٔ بیستم، جاهای پا وتکیه گاه هایی برای خودش، در قلمرو دانش ها و در گسترهٔ نظریه ها وبافته های علمی دیگر، نیز به دست آورده است وتلاش ورزیده تا در پناه اصول ودریافت های این دانش ها، کارکردها ودستاوردهای خودش را سودمند وراه گشا ثابت کند وبه خودش هویت مستقلی بدهد وهستیش را توجیه نماید.

نقد ادبی در باختر زمین، پس از سده های میانه، بار دیگر، در سده های هژدهم ونزدهم میلادی، باز زاده شد ورو به بالندگی نهاد.

پدیدهٔ نقد در باختر زمین، همچون ضرورتی مطرح گشت؟ زیرا در سده های هژدهم ونزدهم، باختر زمین تشنهٔ آن بود که همه چیز را بشناسد و درست ودقیق بشناسد. از همین رو، شماری از دانش های تازه، در کشتزار معرفت انسانی، جوانه زدند وشناسنامه گرفتند؛ چون: روانشناسی، جامعه شناسی، زبان شناسی، مردم شناسی ومانند این ها. کار هریک از این دانش ها این بود تا زمینه های ویژه وپدیده های خاصی را بررسی کند وبه پژوهش گیرد.

درهمین زمان، این پرسش های اساسی- که دوهزار سال پیش، از سوی ارستو مطرح شده بودند- بار دیگر چهره نمودند ومصرانه پاسخ طلب گشتند: هنر چیست؟ چه ویژه گیی در شعر نهفته است؟ سرشت شعر، از سرشت سخن عادی مردمان چه فرق دارد؟ ودیگر.

درهمین سده ها، کسانی چون ساموئیل جانسون، دیدرو، هِردر، لیسنگ، گویته، شیلر، کورنی، بوآلو، درایدن، الکسندرپوپ، بلینسکی ودیگران، در زمینه های ارزش وارزشیابی پدیده های هنری- ادبی، سخن ها گفتند ونظریه ها پرداختند. چنان که دیده می شود، بسیاری از این نظریه پردازان، خود نیز ادب آفرینان بزرگ وپر آوازه یی بودند.

در این دوره، کارهای مرتبط و وابسته به نقد ادبی- هنری،- غالباً- از دریافت ها وبرداشت های شخصی مایه می گرفتند وسلیقه وذوق بر این کار ها سایه افگنده می بودند.

در سدهٔ بیستم، نقد هنری- ادبی، پایگاه های دیگری یافت و- چنان که پیشتر از این اشارت رفت- بابهره برداری از دبستان های فکری ونظریه های علمی، رنگ ونشان دیگری گرفت. و در واقع، می توان گفت که شیوه ها ومکتب های نقد پدید آمدند. در سدهٔ بیستم، شماری از دیدگاه ودستاوردهای علمی، نقد ونقدگران را به سوی خویش کشیدند ومجذوب خود ساختند؛ از جمله:

- جامعه شناسی مارکس، کارل مانهایم وماکس وبر،
- بررسی های اسطوره شناسیک جیورج فریزر،
- پدیدار شناسی هوسرل،
- ساختار گرایی مردم شناسانهٔ لیوی استراوس،
- الگوهای روانشناسیک فروید ویونگ، ومانند این ها(۱۰).

براین اساس، نقد هنری- ادبی سدهٔ بیستم، نقد یک سان ویک دستی نیست، تنوع وگونه گونی دارد. هر نقد گری، اثر های هنری- ادبی را از دیدگاهی می نگرد وکار او هم، غالبا، از سوی کسانی پذیرفته می شود که به همان دیدگاه دلبسته وباور مند هستند.

با این همه، ناقدان کارشناس وحرفه یی، همهٔ این دیدگاه ها را می شناسند وبا دبستان های علمی ونظریه های یاد شده، خوب آشنایی دارند. ونیز، این نکته را باید روشن ساخت که در این میانه، شویه های نقد التقاطی را نیز می تواند بازشناخت.

باری، خامه زن جوانی به من نوشت: «ما اکنون به ناقدی نیاز داریم که هرکسی را برجای خودش بنشاند.» مقصود این دوست جوان من این بوده است که امروز؛ در عرصهٔ ادبیات ما، چنان منتقدی به کار است که دستاوردهای شاعر و نویسنده یی را در پرویزن ارزیابی اندازد و پایه وجایگاه هر نویسنده و شاعر را مشخص و معین سازد. این سخن که شاید از آرمان گرایی و داد خواهی خوشبینانهٔ دورهٔ جوانی برخاسته باشد ویا از مرده ریگ خود کامه گی های خاور زمینی رنگ و نشان گرفته باشد ظاهراً همچون زمزمهٔ خوشایند ودلپذیری به نظر می آید. و اما، ببینیم که -واقعاً- آن کدام نیرویی است که می تواند هر کسی را بر جای خودش بنشاند.

به عقیدهٔ بنده، آن نیرویی که می تواند این کار را انجام بدهد، یعنی هر کسی را بر جای خودش بنشاند، در یک سو، ژوزف استالین قهار است بارد و تأیید خود کامانه و جبارانه اش و، در سوی دیگر، امام آخر الزمان است با عدل و علم لدنی برخاسته از امامتش. حالا، ژوزف استالین که سال هاست مرده و افتاده است در آن جای معروف تاریخ. و امام هم که هیچ معلوم نیست چه هنگامی ظهور خواهد فرمود، پس، آرمان این قلمزن جوان ما، در عرصهٔ عینیت و واقعیت، محقق و بر آورده شدنی به نظر نمی رسد، و این حقیقت تلخ -البته- داغ و دریغی دارد.

غالباً در کشورهایی چون کشورما- چنین تصور می شود که اوضاع هنری- ادبی درباختر زمین، بیخی به هنجار، دلخواه وخوشایند است ودر این عرصه ها، هرکسی پایه وجایگاه راستین و در خور خودش را دارد وبه گفتهٔ معروف مردم، حق به حقدار رسیده است. حال آن که، چنین پنداری درست نیست واین تصویر اوضاع هنری- ادبی کشورهای باختر زمین را، تصویری مخدوش ومعیوب به شمار می توان آورد.

من، کمی پیشتر، طرحی- البته ناقص وکمرنگ- را از وضعیت نقد هنری- ادبی در کشورهای باختر زمین، تقدیم کردم. در این جا، می خواهم این نکتهٔ مهم وجدی را نیز برآن گفته های خودم بیفزایم که در باختر زمین، اقتصاد بازار برهمه چیز وهمه کس چیره ومسلط است واین اقتصاد بازار، درفرجامین تحلیل، پدیده های فرهنگی را، همچون کالاهای بازرگانی می نگرد ونه چیز دیگری، ودر نتیجه، دیده می شود که این اقتصاد بازار، پشتیبان وخریدار آن«کالا» های فرهنگیی است که«بازار» داشته باشند وسود به دنبال آرند.

واز سویی هم، وجود سازمان ها ونهادها وحلقه ها وقدرت های علنی وغیر علنی ومحسوس وغیر محسوس در باختر زمین، در تعیین سرنوشت آثار وپدیده های فرهنگی- در هرزمینه یی که باشند- نقش های بس قاطع وتعیین کنده می توانند داشت. شیوه های کار وروش های این سازمان ها ونهاد وحلقه های یاد شده، شیوه ها و روش های بسیار ظریف، اثیری ودشوار شناخت هستند ومی شود گفت که مردمان عادی- وحتی روشنفکران- نفوذ وکار برد این شیوه ها وروش ها را احساس نمی کنند. در همین حال، شماری از روشنفکران وفرهنگیان- شاید هم از روی ناگزیری- با این سازمان ها ونهادها وحلقه ها وقدرت ها، از در سازش وهمنوایی در آمده اند وبه مزدبگیران بی اعتنا وخونسرد مبدل شده اند. وروشن است که شرح و وصف این وضعیت، تلخ ودلازار ونومید کننده می تواند بود.

درنتیجه می بینیم که فرهنگ بازاری_بازرگانی؛درسازش وهمنوایی باآن سازمان ها ونهاد ها وحلقه ها وقدرت های علنی وغیر علنی یاد شده، همه جا نفوذ وگسترش یافته است و پدیده های خواستنی و مطلوب این فرهنگ،همه کنج وکناره های جامعه راانباشته اند ودرچنگال گرفته اند.

چنین وضعیتی ، هرگز ، مردمان این سرزمین ها را از آثار، شخصیت ها واندیشه های ناب واصیل وارجمند، تا اندازهٔ نگران کننده، بیخبر وبیگانه نگه داشته است . از همین رو، جای شگفتی نیست اگر هفته نامهٔ [فیگارو] چاپ پاریس ،گفتگویی را با ژاک دراید نشر میکنند وآن را چنین عنوان میدهد : [آیا ژاک دراید رامی شناسید ؟] وسپس در یک عنوان فرعی می افزاید : [بزرگترین حکیم روزگار فرانسه یی است . اما ،فرانسه یی ها او را نمی شناسند.]

این شکوهٔ تلخ هفته نامهء"فیگارو" میتواند بسیاری از پهلو های راستین وضعیت فرهنگی را در جامعهٔ فرانسه روشن بسازد وبیگمان کشور های دیگرباختر زمین نیز ، از چنین خصلتی بی بهره نیستند .

برای اینکه تصویر مان از وضعیت هنری_ ادبی باختر زمین ، گویا تر و دقیقتر باشد ، ناگزیریم این نکته را نیز یادآوری کنیم که در دوران همین وضعیت هنری _ادبی دلازار وتسخیر شده از سوی نیرو های اقتصاد بازار و بازرگانی واثر پذیرفته از آن نهاد ها و سازمانها وحلقه هاوقدرت های علنی وغیر علنی یاد شده، یک جریان دگرگون : اصالت خواه ، کمال پسند واندیشه گرا هم وجود دارد ، شماری از دانشمندان ، روشنفکران جوانان فرهیخته وجستجوگر:نویسنده گان بازار گریز سیاستگران صادق ولایه ها وعناصری از طبقات گوناگون جامعه ،با همین جریان هنری _ادبی پیوند دارند و هواخواه و خواستار فرا داده ها ودستاوردهای آن هستند.دیگر روشن است که نقد های هنری _ادبی ژرف، اندیشه بر انگیز وپر مایه نیز در دوران همین جریان پدید می آیند. هر چند این جریان _ عمدتا_ هنر و ادبیات اصیل، نقد های هنری_ادبی ارجمند ونظریه هاواندیشه های بکر و ژرف را در خود می پروراند و به سامان می رساند، اما می توان گفت که نفوذ و اثر گزاری آن در کلیت وضعیت هنری _ادبی جامعه،چندان چشمگیر وملموس نیست . به سخن دیگر،این جریان تاب و توان برابری ورویارویی با فرهنگ وهنر بازاری_بازرگانی و اثر پذیر فته از آن نهاد هاو سازمانها وحلقه ها و قدرت های علنی و غیر علنی یاد شده را ندارد .با این همه ، هستی و ارزش این جریان ، شناخته شده و پذیرفته شده است . جا یزه ها و نشان ها و افتخارات بزرگ ملی و جهانی ،غالبا ، به کار ها و کار نامه های بر خاسته از همین جریان تعلق می گیرد ودستگاه های علمی ومقامات دولتی نیز ؛ به همین جریان و دست آوردهای آن ، احترام فراوان و ارج بسیار می نهند ،هرچند، گاهی هم،شخصیت های این ارج واحترام را نمی پذیرند . چنان که ژان پل سارتر ،در سال۱۹۴۶ ، جایزهٔ نوبل را رد کرد وپیش از او نیز ،کسانی چون گی دو موپاسان ،ژرژسان ومارسل ایم نشان معروف [لژیون دونور] را نپذیرفته بودند.

ازویژه گی های بنیادین و گوهرین وضعیت فرهنگی باختر زمین _چنانکه پیش از این هم اشارت رفت _ یکی هم تنوع و نا همگونی اندیشه ها و دیدگاه ها و تلا ش برای نو جو یی ها و نو آوری هاست . و لا بد ،نقد هنری - ادبی نیز مشمول همین اصل و قاعده است . در همین هوا وقضایت که غالبا دیده میشود _ ناگهان _ پیل پایه های عقیدتی و باور های سنگین و سخت جان به لرزه در می آیند و سنگدلانه زیر سوال قرار میگیرند.

به گو نهٔ مثال،یک بانوی تاریخدان و چین شناس انگریز ، برمیخیزد و کتابی می نویسد به نام (آیا مارکو پولوبه چین رفت؟)

درین کتاب میگوید که اصلاً مارکو پولو به سرزمین چین نرسیده است و این مرد ماجرا جو ،دروغگوی بزرگی بوده است و کتاب او که "وصف عالم" نام دارد ،نیز ساخته وپرداخته، تخیل و فرادادهء شنیده گی های اوست . البته این بانوی چین شناس ، سخن های هوایی و بی پایه هم نمی گوید ودلیل وبرهان نشان میدهد.

نمونهء دیگر را همین امسال،در فرانسه گواه بوده ایم : همه گان میدانند که فرانسوی ها ،جنرال دوگول را قهرمان ملی شان می شناسند و حتا پایگاه اوراهمسنگ و هم تراز شارل مانی می پندارند و نیز به او " پدر جاویدان فرانسهء نوین " نام داده اند. و اما ، چند ماه پیش بود که کتابی با نا م (بیچاره دوگول) (۱۱) در پنج صدو نود صفحه ،در پاریس به چاپ رسیده است . نویسندهء این کتاب ،مرد جوانی است که " استیفن زگدانسکی :درین کتابش ، تصویری یک سره دگرگون از سیمای این«قهرمان ملی» نقش می کند. صفت های زشتی به او نسبت می دهد و- از جمله- این«پدر جاویدان ملت» را«یک روان پریش مضحک» می خواند(۱۲). برخوردی همانند این یکی، با«ژان مولن»- بنیاد گذار ورهبر نهضت مقاومت فرانسه در برابر نیروهای آلمانی- نیز صورت گرفته است. این برخورد را، در کتاب«راز ژان مولن» اثر«ژاک جی ناک» باروشنی می تواند دید.

مقصودم از آوردن این نمونه ها این است که بگویم در باختر زمین، دیدگاه ها- از جمله، دیدگاه های نقد ادبی- یک دست ویک رنگ نیستند. در نتیجه، کمتر دیده می شود که کسی درپی آن براید که هرکسی را برجایش بنشاند. در واقع، اصلاً زمینه برای چنین پنداری فراهم نیست. از همین رو، دیده می شود که- غالباً- در بارهٔ اثر واحد ویگانه یی، دید ها ودریافت های گونه گون و- در مواردی هم- متضاد شکل می گیرند وارایه می گردند واین وضع، در باختر زمین، عادی ومعمول وپذیرفته شده است. روی همرفته، به ندرت اثری را سراغ می توان کرد که همراهی وهمنوایی همه گان را به دست آرد یا مطرود همه گان قرار گیرد.

در باب نقد هنری- ادبی، این نکته را نیز باید در نظر داشت که این پدیده های هنری- ادبی غنی، ژرف واصیل هستند که نقدهای ارجمند، اندیشه برانگیز وپرمایه را به میان می آورند. به سخن دیگر، نقدگران هنری- ادبی، هر اندازه خبره وکارشناس هم که باشند، در بارهٔ یک اثر سطحی وناپخته وبی رنگ وبو، نقدهای نغز وجانداری نمی توانند نوشت. معنای این سخن این است که کیفیت وسرشت نقد هنری- ادبی در یک جامعه، از یک نگاه، باکیفیت وسرشت آثار هنری- ادبی در آن جامعه، وابسته ومربوط است. در جامعهٔ فاقد هنر وادبیات والا وشگوفان، نمی توان حضور نقد ونقدگران درخشان، وپرمایه را انتظار داشت.«بوطیقا»ی ارستو، درخلای ادبی پدید نیامد. ظهور رضا براهنی را در دههٔ چهل هجری خورشیدی در ایران، ونیز پیدایی«طلادرمس» او را، رویدادهای تصادفی نمی توان به شمار آورد. والبته روشن است که وقتی نقد رهگشا واثر گذار پدید آمده به نوبهٔ خودش، هنر وادبیات وجامعهٔ هنری- ادبی را دگرگون می سازد. به جلو می برد وتعالی می بخشد. واین، نوعی پیوندی منطقی است میان پدیده های هنری- ادبی ونقد هنری- ادبی، چونی ها وچندی های نقدی هنری- ادبی، بابالندگی ورشد دانش عمومی جامعهٔ فرهنگی نیز پیوند دارد. هنگامی که جامعهٔ فرهنگی، با کارنامه ها ودستاوردهای گونه گون وبن مایه های اندیشه ساز دانش هایی چون اسطوره شناسی، روان شناسی، زیبایی شناسی، جامعه شناسی و... آشنایی درست ودقیق نداشته باشد، نقد هنری- ادبی آن جامعه، همچون مرغ بال وپرکنده یی، توان پرواز به اوج های ناشناخته ها را نخواهد داشت، ونیز جا دارد آن خامه زنان ما که از نبود نقد گران رهگشا واثر گذار می نالند، این اصل ها را در نظر داشته باشند.

رویکردها:

۱۰- Le Figaro magazine, 16October,1999.

۱۱- از همین جاست که موریس مسکینو، در یک نبشته اش بانام«روشنفکران رسانه ها، مرتجعین نوین» که در شمارهٔ ماه اکتوبر سال۲۰۰۲ میلادی ماهنامهٔ«لوموند دیپلوماتیک» به چاپ رسید، روشنفکران وفرهنگیان بسیار سرشناس وهمیشه در حاضر در صحنهٔ رسانه های گروهی- چون الن فینکین، برنار هنری لیوی، اندره گلوکسمان، پسکل بروکیز، کلود لازمان، پی یر نوره، الن منک، ژان کلود وکازانو وا وژان فرانسوا رویل- را باخامه زنان نامداری مانند ولنز، هوگو، زولا، سارتر، ژید، فوکو وبوردیو مقایسه می کند وگروه نخست را به تازیانهٔ نکوهش وسرزنش می بندد ومی گوید که اینان روشنفکری را به ابتذال کشیده اند. وبازهم، بیجهت نیست که داریوش شایگان- در گفت وشنودی که در شمارهٔ بیست وچارم«بخارا» چاپ شده است- می گوید:«کتاب های خوب اصلاً در دنیا معرفی نمی شوند(...) وقتی صورت کتاب های پرفروش را نگاه کنیم، می بینیم که هشتاد تا نود در صد آن ها کتاب های جنجالی، تحریک کننده وتبلیغ شده هستند(...) کتاب هایی که رسانه یی نشده اند، پر فروش نیستند.»

۱۲- روزنامهٔ هرالد تریبیون(بین المللی) درشمارهٔ روز۲۲ ماه جنوری سال۱۹۹۸، این فکاهه را به چاپ رسانید:

«- المو، پدر ومادرت به تو اجازه می دهند که بسیار تلویزیون ببینی؟

حج، کنگرهٔ بزرگ اسلامی

سیدناصر تقدسی

حج چهارمین رکن اسلام و آخرین آیین تعبدی و شعایر یی است که از طرف خداوند به خاطر تهذیب نفوس و کسب تقوا، برمسلمانان مقرر و فرض شده است حج همان حرکتی بی مانند و سفری میمون در میان تمام حرکت ها و سفرهاست که شخص مسلمان طی آن به سوی شهر امنیت و آرامش (مکه) حرکت می کند. تاشرف زیارت وطواف کعبه را کمایی نماید. کعبه نخستین خانه یی است که برای عبادت خدا در روی زمین بنا شده است و بنیانگذار آن، ابراهیم و فرزند عزیزش اسماعیل می باشند.

تعریف حج

حج در لغت به معنای قصد کردن است. و در اصطلاح عبارت است از قصد کعبهٔ شریف به منظور ادای افعالی مخصوص و معین. ویا به سخن دیگر حج عبارت است از زیارت مکان مخصوص در زمان مخصوص و به فعل مخصوص.

مشروعیت وتاریخ حج

بنا بردرست ترین روایت حج در اواخر سال نهم هجری بر مسلمانان فرض گردید، و آیت مبارک (ولله علی الناس حج البیت من استطاع إلیه سبیلا...) *وبرای خدا بر مردم است که آهنگ خانه کنند، آن ها که توانایی رفتن به سوی آن دارند.* فرضیت آن را افاده می کند.

مناسک حج

حج با میقات، که مکان مشخصی برای احرام است آغاز می شود. در تمام راه هایی که به کعبه منتهی می شود، به فاصلهٔ در حدود بیست میل، مرزی معین گردیده که همهٔ حجاج پیش از این که از آن مرز عبور کنند، بایستی لباس های شان را که عامل خود نمایی و تفاخر است با لباس سپید رنگ وفقیرانهٔ احرام تبدیل کنند، تا همه ثروتمندان و مستمندان یکسان ومساوی گردند، و امتیازات ملت ها و اقوام از بین برود و همهٔ آن ها با وضعی یکسان، عاجزانه در بارگاه خداوندی حضور به هم رسانند.

شعار همگانی

پس از احرام و همگام با این که حاجیان به حرم پاک و مطهر پا می نهند، همهٔ آنان صدای خویش را با این شعاری که سرود عمومی تمام حجاج در طول روز های حج می باشد، بلند می کنند: (لبیک أللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک، إن الحمد والنعمه لک والملک، لا شریک لک) *من همواره فرمان بردار تو هستم، خداوندا، حاضر به فرمانم، همیشه امرت را اجابت می کنم، هیچ کس وهیچ چیز شریک تو نیست، دستورت را اطاعت می کنم. همانا ستایش و بخشش از آن تو است. پادشاهی و ملک جهان فقط مال تو است. تو بی همتایی.*

مهم ترین اعمال حج پس از احرام طواف کعبه، سعی بین صفا و مروه، ایستادن به روز نهم ذوالحجه در عرفه، رمی جمرات، شب زنده داری در منی و قربانی کردن می باشد.

فضیلت حج

اگر حج آدمی از سر اخلاص باشد و بانیتی پاک و بی آلایش وصمیمانه انجام بیابد، موجب بخشش گناهان می گردد، چنان که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: (من حج لله فلم یرفث ولم یفسق رجع کیوم ولدته امه) *کسی که حج را خاص به خاطر خدا ادا کرد و در خلال آن از فحش گویی و اعمال زشت، خود داری نمود، مانند روزی که مادرش او را زاده است —پاک از گناه— بر می گردد.*

وعید تارک حج

خداوند می گوید: (ولله علی الناس حج البیت من استطاع إلیه سبیلا ومن کفر فإن الله غنی عن العالمین) در این آیت، خداوند حج نکردن عمدی کسانی را که استطاعت آن رادارند به منزلهٔ کفر قرار داده است. و مفهوم این آیت از این حدیث پیامبر نیز روشن می شود که می فرماید: (من ملک زاداً وراحله تبلغه إلی بیت الله ولم یحج فلا علیه أن یموت یهودیاً أو نصرانیاً) *کسی که توشهٔ راه ووسیله یی برای رسیدن به خانهٔ خدا داشته باشد ولی حج نکند، مرگ او با مرگ یک یهودی ویا نصرانی برابر است.*

همچنان حضرت عمر رضی الله عنه در تفسیر و توضیح این حدیث می فرماید: "کسانی که با وجود داشتن توانایی مالی و جانی حج نمی کنند، دلم می خواهد که از آن ها جزیه بگیرم، برای این که آن ها مسلمان نیستند!"

بخشی از حکمت های مناسک حج

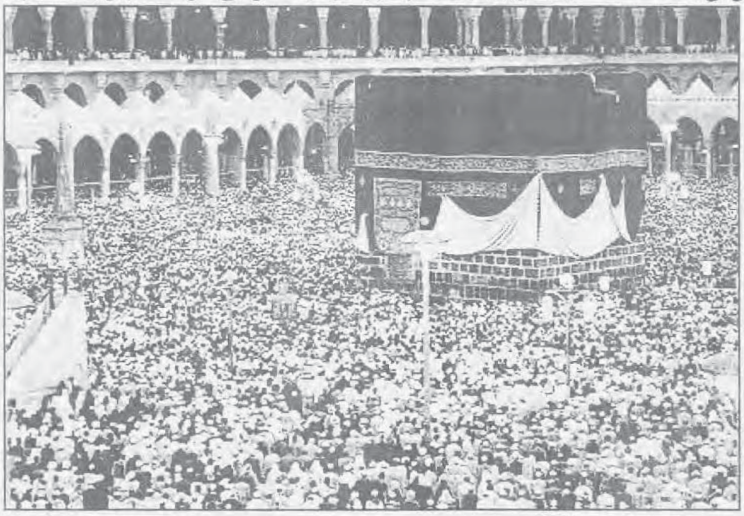
احرام:- این لباس درویشانهٔ سپید که چیزی جز یک تهبند، یک چادر و یک کفش نیست، مفهوم به در آمدن از هوس ها و شهوات وباز داشتن خود، از هر چیزی غیر خدا را می رساند. و صدای مکرر (لبیک اللهم لبیک) با لباسی فقیرانه و بی آلایشانه، حالتی پر از شور و هیجان را به وجود می آورد و حاجی حقیقی در عشق الهی چنان از خود بی خود می شود که در قلبش هیچ چیز جز یاد خدا باقی نمی ماند و آتش محبت خدا، ماسوی الله را می سوزاند.

تلبیه:- تلبیه و لبیک گفتن چیزی جز گواهی بر تجرد نفس والتزام طاعت خدا و فرمان برداری از هدایات او نیست.

سعی:- سعی میان صفا و مروه که با هر وله و شور و شعف انجام می پذیرد مفهوم بذل کوشش در جهت اظهار تضرع با دلی سرشار از خشیت و زبانی گرم نیایش و آرزوهایی صمیمانه در برابر مهربان ترین مهربان ها را افاده می کند.

وقوف عرفات:- در عرفات حاجی قیافهٔ یک سرباز خدا را به خود می گیرد، او باید چند روز در منی، عرفات و مزدلفه، مانند سربازی که در اردوگاه نظامی به سر می برد، باقی بماند. یک روز در منی اردو می زند، روز دوم در عرفات رحل اقامت می افگند و به رهنمودهای فرمانده خود گوش می دهد و شب به مزدلفه می رود.

رمی جمرات:- وقتی که حاجی به سوی منی کوچ می کند، در آن جا به سوی ستونی سنگ پرانی می کند که اصحاب فیل به منظور منهدم کردن کعبه تا آنجا پیشروی کرده بودند. این سنگ پرانی در واقع چیزی جز تحقیر عوامل شر وفساد نیست و انسان در این اثنا باید با خدا این گونه تعهد کند: ای خدا کسی که برای از بین بردن دین تو قیام می کند، من در مقابل او، این گونه به مبارزه می پردازم.



قربانی:- پس از رمی جمرات حاجی ها جانوران قربانی را ذبح می کنند، تا عملاً نیت و عزم خون ریختن در راه خدا روشن گردد.

طواف:- پس از آن حجاج به طرف کعبه روی می آورند، همان گونه که سربازان پس از انجام وظیفه یی مظفرانه به مرکز اصلی خود روی می کنند، آنان نیز به سوی کعبه باز می گردند و پس از طواف و دو رکعت نماز شکرانه، احرام ها باز می شوند، وچیزهایی که تا این ساعت حرام شده بود یک بار دیگر حلال می گردد.

فوائد حج

حج دارای بسا از.فوائد در زمینه های فردی و اجتماعی است که فشردهٔ آن تذکار می یابد:

فوائد فردی حج

الف- بخشش گناهان: حجی که مقبول بارگاه الهی افتد و تنها برای خداوند انجام شده باشد گناهان صغیره و به قول برخی از علما حتی گناهان کبیره را محو می کند و نفس آدمی را از شائبهٔ معاصی پاک می گرداند.

ب- طهارت نفس: حج نفس را پاکیزه می نماید و به آن نوعی صفا و اخلاص و نشاط می بخشد و همین امر، زمینه های تجدید حیات و بلند رفتن معنویت در نفس را فراهم می سازد.

ج- تقویت ایمان: حج باعث قوت ایمان و تجدید عهد با خداوند می شود، و انسان را درجهت بازگشت به خدا و تهذیب نفس و تقویب مشاعر خیر کمک می نماید.

د- تحمل و صبر: حج مانند سایر سفرها انسان را به صبر وتحمل مشکلات مختلف عادت می دهد، و انسان در طی آن به مفهوم نظم و انضباط وپابندی به مسائل مهم پی می برد و در راه خدا آمادهٔ ایثار وقربانی می گردد.

هـ- سپاس نعمت: خداوند به انسان نعمت هایی گوناگون ارزانی داشته است، نعمت مال، نعمت عافیت و صدها نعمت دیگر وحج بهترین راهی است که انسان توسط آن به شکران این همه نعمت ها مبادرت می ورزد.

فوائد اجتماعی حج

الف- تعارف: حج بزرگ ترین همایش و کنگره یی است که مسلمانان از نقاط مختلف جهان در آن جمع می شوند و با یکدیگر از هر نژاد و ملیتی که باشند شناسایی حاصل می کنند و این تعارف زمینه های تبادل افکار و همکاری در عرصه های مختلف در میان آن ها را مساعد می سازد.

ب- تقویت رابطهٔ برادری: حج حس برادری و وحدت اسلامی را در نهاد مسلمانان زنده می کند و به آنان می فهماند که همهٔ شان باهم برابر اند و منافع مشترک و دین مشترک دارند و اگر برتریی هم است فقط اساس آن را تقوا تشکیل می دهد.

ج-نشر دعوت: ایام حج، بهترین ومساعد ترین زمان برای نشر دعوت ورساندن پیام دین به گوش جهانیان است و در این هنگام به خوبی می توان دعوتگران مسلمان را تشویق کرد و آنان را مورد حمایت قرار داد.

دماشومانو دقاچاق او تښتولو . . .

دهمدغه هدف له پاره ځو ورځي مخکي په کابل کي داړوند وزارتونو، دملګرو ملتو او دبشر دحقوقو دخپلواك كميسيون له خوا له ګډي غونډي نه وروسته پريکړه وشوه چي دجوماتونو ۵۰ تنه ملا امامان دي ته وګمارل شي چي لمونځ کوونکوته دماشومانو دساتني، دهغوي دحقوقو او هغوي ته دورپيښو خطرنو په باب دخلکو ذهنونه روښانه کړي او هغوي وپوهوي چي دخپلو بچيانو دوامداره څارنه او ساتنه وکړي.

موږ فکر کوو چي داړوند چارواکو دغه راز نمايشي غونډي ترهغه وخته پوري د درد درمل نه شميرل کيږي ترڅو چي دوي په دي لاره کي دملګرو ملتو ديونيسف دسازمان او نورو دوستو هيوادو دبشري او اطلاعاتي همکاري دجلب له لاري ګټورګامونه پورته نه کړي، دماشومانو قاچاق ورونکي دقانون منګولوته ونه سپارل شي او داطلاعاتي رسنيو له لاري دغه راز جنايتكاران افشا نه شي

موږ په تيرو وختونو کي داهم واوريدل چي يوشمير دغه جنايتكاران حتي دماشومانو له وژلو او دهغو دبدن دحساسو غړيو لكه بډوډو، سترګو او نورو له پري كولو څخه هم ډډه نه كوي او دغه راز غړي بيا په بهرنيو هيوادو كي په روغتوتونو باندي پلوري.

موږ هيله من يوو چي دنشه ئي توكيو له قاچاق څخه هم ددغه راز بوګنوونکو پيښو دعاملينو نيولو ته زياته پاملرنه واړول شي او هغوي دخپلو دغو شرمناكو او سلامي ضد اعمالو په لازمه سزا ورسيږي او په دي توګه له دي لاري څخه زموږ دخلكو انديښني پاي ته ورسيږي او دماشومانو له پاره د داد وړ او سوله ييزه فضا رامنځ ته شي

په کوټه کي نوي تنه . . .

په ايالت کي پوليسو له بيلابيلو سيمه څخه څه دپاسه نوي تنه شکمن کسان چي دافغانستان دکندهار، زابل، ارزګان او هلمند اوسيدونکي دي نيولي او دپوښتنون په مقصد محبس ته استول شوي دي. خو په دغه ايالت کي دمتحده مجلس عمل پارلماني غړي مولانا نورمحمد ددغو نيونو غندنه کړي، او ددغه کار دپاکستاني چارواکو لخوا خپلو ياداراټوته دښه خدمت په مقصد وباله او دنيول شويو کسانو پرخلاصون ئي ټينګار وکړ.

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

دور ششم سال دوم شماره ۳۰ چهارشنبه اول دلو ۱۳۸۲ ۲۹ ذوالقعده ۱٤۲٤ - 21 January 2004

قانون اساسی وبرداشت های متناقض

آواز خوانی هنرمندان زن در تلویزیون نخستین هدیهٔ قانون جدید

پیش از آن که قانون اساسی جدید به توشیح رئیس دولت برسد، و در جراید رسمی زیور چاپ یابد، برداشت ها وتفسیرهایی متفاوت ومتناقض از آن از جانب ارگان های رسمی دولت، زمانی ارایه گردید که یک آوازخوان زن بعد از تقریباً یک دهه در پردهٔ تلویزیون دولتی افغانستان ظاهر شد وبه آواز خوانی آغاز کرد وبه دنبال وی چندین زن هنرمند دیگر نیز در صفحهٔ تلویزیون نمایان گردیدند وآواز خواندند.

این درحالی است که در قانون اساسی جدید، نظام افغانستان، جمهوری اسلامی خوانده شده وتصریح گردیده است که هیچ کاری وقانونی نمی تواند برخلاف ارزش های اسلامی ودینی مورد عمل قرار گیرد. در واکنش به این رخداد، شورای عالی ستره محکمهٔ دولت انتقالی اسلامی افغانستان به عنوان بالاترین مرجع تطبیق قانون که در قانون اساسی جدید وظیفهٔ تفسیر وتوضیح مواد قانون نیز به آن تفویض شده است، طی نامهٔ رسمی شمارهٔ ۵۴۰۸- ۱۳۸۲/۱۰/۲۳ خویش عنوانی وزارت اطلاعات وفرهنگ، از آن وزارت خواسته است تا از آواز خوانی زنان در رادیو وتلویزیون کشور جلوگیری نماید و عاملان این کار را نیز به معذرت خواهی وا دارد.

اما درعین زمان آقای حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در مصاحبه بایکی از رادیو ها در این رابطه موضعی ابهام آمیز گرفت وعلاوه کرد که آوازخوانی هنرمندان زن در افغانستان مسأله یی تازه نیست وسابقهٔ طولانی دارد. واز این که زنان به حق شان می رسند خورسند است. موضعگیری آقای رهین وزیر اطلاعات وفرهنگ که به خبرگزاری رویتر گفت: ما بدون اعتنا به جنس خاص، می خواهیم تافعالیت های هنری خود را پیشکش کنیم. وزنان حق دارند به چنین کاری دست یازند. نیز نشان داد که دولت در واقع نمی خواهد مواد قانون از مجرای قانونی آن توضیح وتفسیر گردد.

شماره ۵۴۰۸
تاریخ ۲۳/۱۰/۱۳۸۲

دولت انتقالي اسلامي افغانستان
ستره محکمه

به وزارت محترم اطلاعات و فرهنگ دولت انتقالي اسلامي افغانستان !

قراریکه در جریان هشتید سال گذشته سرو صداهاي مبني بر آوازخواني زن ها در رادیو و تلویزیون افغانستان براه افتاده مردم احتجاج نمودند عرایض و شکایات خویش را به ستره محکمه تقدیم کردند که شوراي عالي قوه قضائیه جر بحث هاي عمیق و همه جانبه به اتفاق آراء تصویب نموده ونمودند که آواز خواني زن ها شرعاً نا رواء بوده و باعث تحریکات مخالفین دولت اسلامي نیز میگردد حال که قانون اساسي هم به تصویب رسیده که هر گونه اعمال و اعتقادات ضد اسلامي را منع قرار داده ولي با ردیگر تلویزیون افغانستان در لیل ۲۲ - ۲۳ جدي به اصطلاح هنرمندان زن افغاني را به پرده تلویزیون جهت غناء (آوازخواني) ظاهر نمودند که مخالف شریعت اسلامي ، قانون اساسي کشور و تصویب شوراي عالي قضاء و رسوم و عنعنات افغاني بوده و همچنان باعث برآشفتگي کثیر از هموطنان ما گردیده است امید دراسرع وقت هدایت دهید تا این پروسه را متوقف نموده از عملي که انجام گردیده مرجع آن معذرت بخواهد و عاملین آن مورد بازپرس قرار گیرند. در غیر آن مسولیت بعدي بدوش وزارت اطلاعات و فرهنگ و رادیو و تلویزیون خواهد بود

بااحترام
الحافظ الحاج مولوي فضل الهادي شینواري
قاضي القضات و رئیس ستره محکمه

جالب تر از همه این که آقای رهین اظهارات وموضعگیری قانونی ستره محکمه را که در نشست شورای عالی آن ارگان تصویب شده بود ورسماً به وزارت اطلاعات وفرهنگ اخبار گردید، یک نظر شخصی وفاقد اعتبار قانونی خواند که ما به خاطر وضاحت بیشتر این موضوع، کاپی متن مکتوب رسمی آن اداره عنوانی وزارت اطلاعات وفرهنگ را نشر می نماییم.

دوستی میان افغانستان و ترکیه ...

نقش خویش را به خوبی ادا نموده است. در مقابل آقای اوزدش از پذیرایی گرمی که از وی به عمل آمده است اظهار سپاس نمود و بر تداوم مناسبات دوستانهٔ دو کشور تأکید کرد. وی آمادگی کشورش را در زمینهٔ مساعدت به بازسازی افغانستان ابراز نمود.

استاد ربانی با سفیر روسیه ...

افغانستان و روسیه یا قدر دانی یاد آوری نمود، در این ملاقات استاد ربانی تصویب قانون اساسی جدید را برای مردم افغانستان اقدامی ارزشمند خواند وگفت: تصویب قانون اساسی یک قدم مثبت می باشد. آرزوی ما این است تا مقامات مسؤول در امر تطبیق قانون با مردم و نهاد های مؤثر ملی فعالانه و صادقانه قدم بردارند.

دیدار استاد ربانی با ...

خورسندی نمود و خواهان نظریات استاد در پیرامون لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی ومسائل مهم سیاسی در کشور شدند. استاد در مورد لویه جرگهٔ مردم افغانستان وقانون اساسی جدید گفت: لویه جرگه بالآخره موفق شد تا قانون اساسی جدیدی را به تصویب برساند. در شرایط کنونی کشور ما بودن قانون بهتر از نبودن آن است. امیدواریم در پروسهٔ تطبیق آن گام هایی عادلانه ومنصفانه برداشته شود. مطمئن هستم که مردم از شیوهٔ مناسب، واجراآت دولت در تطبیق قانون استقبال خواهد کرد. استاد ضمن ارزیابی عملکردهای حکومت اسلامی افغانستان گفت: در دوران مسؤولیت ما، علی الرغم مشکلات بزرگ وتوطئه های بیشرمانه علیه حکومت اسلامی بازهم جهت تأمین عدالت اجتماعی اعلان نمودیم که نماینده ها براساس نفوس به شورای بزرگ ملی راه یابند. باوجود جنگ، در جهت رشد تعلیم وتربیه وافزایش دانشگاه ها کوشیدیم که فعلاً شاهد فعال بودن تعداد زیاد پوهنتون ها در کشور خود می باشیم. همچنان استاد از عفو عمومی حکومت اسلامی در سال ۱۳۷۱ نداشتن محبوس سیاسی در سراسر کشور واشتراک زنان درنهادهای دولتی وغیر دولتی در آن زمان یاد آوری نمود.

خانم رودا مارگسیون خواهان نظر استاد پیرامون حقوق زنان در کشور گردید. و او گفت: ماهیچ مشکلی از نگاه دین باحقوق زن نداریم در این جا اکثر عادات قبیله یی برای زنان مشکلات ایجاد می کند. ما در دوران مقاومت در دورترین نقاط کشور زمینهٔ فعالیت زنان را مهیا ساخته بودیم، حتی طالبان از این نوع فعالیت ما منحیث حربهٔ تبلیغاتی درمیان مردم استفاده می نمودند.

استاد در پاسخ به سوال آقای کینت در مورد فعالیت جمعیت اسلامی افغانستان گفت:

جمعیت یک حزب سیاسی- فرهنگی بوده و در ابتدا هم جهت اصلاحات در کشور عرض اندام کرد البته روی ضرورت دفاع در برابر تجاوز بیگانگان در کشور دست به دفاع مسلحانه زد وبعد از پیروزی ماهم اعلان کرده بودیم که حزب مسلح باید وجود نداشته باشد واحزاب کارهای سیاسی را پیش ببرند البته جمعیت از آغاز حرکت سیاسی، فرهنگی واجتماعی داشته وحالا هم بعد از سقوط طالبان کارهای سیاسی خود را به پیش می بریم.

دماشومانو دقاچاق او تښتولو اندیښنه

پامیر

دهیواد والو دکورنیو له پاره دا ددیري اندیښني ور ده چي په دي وروستیو وختو کي دنشه ئي توکیو او ښځو دقاچاق ترڅنګ د ماشومانو دقاچاق کارهم پیل شوي او په تیرو څومیاشتو کي چي موږ داطلاعاتي رسنیو له لاري خبرشو یو زیات شمیر کوچني ماشومان او تنکي ځلمیان د دغه راز بي سرنوشتي او بدمرغي سره مخامخ شوي چي یا له هیواد نه بهرګاونډیو هیوادوته لیږدول شوي او یا هم دلورو وچو هیوادوته استول شوي او په خلکو باندي پلورل شوي دي.

له ځینو احصائیو څخه چي دیونیسف یا دماشومانو دوجهي صندوق له خوا خپري شوي څرګندیږي چي نن په اسیائي او افریقائي هیوادو کي په ملیونو دغه راز تنکي ځوانان په شاقه او سختو کارونو بوخت دي او له ځینو څخه بیا دناوړه موخو له پاره کار اخیستل کیږي چي دبده مرغه دغه راز ماشومان دخپل ځان د دفاع له پاره هیڅ ډول امکانات نه لري او ترهغه وخته پوري تري په بیلابیلو برخو کي کار اخیستل کیږي چي امکان ئي موجود وي. ددغه راز ډارونکو معلوماتو له مخي اوس زموږ په هیواد کي دماشمانو دساتني او خارني له پاره له دولتي او ملکي ټولنو سره اندیښني پیدا شوي او داهڅه روانه ده چي دماشومانو دقاچاق په وړاندي یو لړ تدبیرونه ونیول شي ۷مخ

مراسم تشییع جنازه ودعا خوانی قاضی عبدالجمیل ...

دو بار به زندان افگنده شد. نخست در سال۱۳۵۸ مدتی را در زندان سپری کرد وسپس در دوران تجاوز ارتش سرخ به اثر شدت بخشدن فعالیت آزادی خواهانه اش در سال۱۳۶۰ دوباره به زندان افگنده شد وپس از پنج سال در سال۱۳۶۴ رهایی یافت. او در سال۱۳۶۵ ناگزیر شد راه هجرت درپیش گیرد او در دیار هجرت در پاکستان همواره درجهت آزادی واستقلال کشور تلاش ورزید وبیشترینهٔ فعالیت هایش صرف تجهیز جبهات مجاهدان در کابل وبدخشان شد. او در این دوران چند سالی را در مؤسسهٔ مرکز تعلیمی افغانستان درپشاور مشغول خدمت بود.

قاضی عبدالجمیل پس از پیروزی جهاد به بانک پشتنی تجارتی پیوست وبه عنوان نمایندهٔ این بانک در شهر کراچی پاکستان مؤظف شد. او با آمدن طالبان از وظیفه کنار رفت. زمانی که حکومت طالبان سرنگون شد دوباره به بانک تجارتی پشتنی پیوست که نخست به عنوان مشاور حقوقی این بانک وسپس تادم مرگ به عنوان مدیر بار چالانی آن مشغول خدمت بود.

قاضی عبدالجمیل ازدواج کرده بود واز وی یک همسر وشش فرزند یک پسر وپنج تا دختر مانده اند.

قاضی عبدالجمیل مردی بود مستغنی وباتحمل وصمیمی وکم ادعا که حضور گستردهٔ دوستان ویاران واشک های گرم آنان در سوگ وی دلیل روشن جایگاه بلند او در دلها بود.

جنازهٔ قاضی عبدالجمیل روز دوشنبه درمیان تشییع گروهی گسترده از دوستان ویاران وخویشاوندانش درگورستان ده کیپک خیرخانه به خاک سپرده شد ومراسم دعاخانی او دیروز سه شنبه درمسجد وزیر اکبر خان برگزار گردید. پس از مراسم خاک سپاری برفراز گور آن عزیز هریک از استادان محترم استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت ومحترم استاد شهرانی معاون ریاست دولت انتقالی اسلامی افغانستان در مآثر او سخنانی ایراد کردند سپس واقف حکیمی زندگی نامهٔ سالشمار او را باز گفت.

استاد درخلال سخنان شان گفتند:

«مرگ یکی از قوانین الهی وحیات نیز موهبتی اوتعالی می باشد، مرگ برای مؤمنان پایان زندگی نی بلکه آغاز زندگی جاویدانی است. از آن جایی که زندگی برای انسان ها از ارزشی برخوردار است، مرگ نیز برای انسانها معراج کمال ورسیدن به لقای الهی تلقی می شود بسا از انسانهایی وجود دارند که در حیات خود مرده اند وکسانی نیز وجود دارند که بامرگ شان زندگی ابدی وپرافتخار شان آغاز می یابد. نه تنها شخص قاضی عبدالجمیل بلکه تمام خانوادهٔ او همسر وبرادرش جان علی از سپاهیان دین ووطن بودند در راه خدا رزمیدند. کسانی وجود دارند که درسن کم خود مردان بزرگی اند وکسانی هم باوجود کهن سالی کودکند، ونیز کسانی که به خاطر دنیا ومطامع آن زندگی می کنند، انسانهای کم ارزشند وآنهایی که بخاطر هدف والای انسانی در دنیا زندگی می کند مردان تاریخند ومرحوم قاضی عبدالجمیل از زمرهٔ آن مردان تاریخ به حساب می آید.

سپس استاد نعمت الله شهرانی سخنانی بسیار کوتاه وپرعاطفه ابراز کرد او سخنانش را با این بیت آغازید:

بگذار تابگریم چون ابر در بهاران
ازسنگ ناله خیزد روز وداع یاران

امروز روزی است که ما بابرادر خود قاضی عبدالجمیل وداع می کنیم. قاضی عبدالجمیل به من از چند پهلو پیوند داشت او هم برادر وهم فرزند وهم شاگرد من بود.